

آسیب شناسی مجالس مذهبی بانوان

رسالة محمد

تقدیمی کوچک و بضاعتی حقیرانه به محضر:

آسمان (تعالی اسمہ)، بلندای رفیعش و مہربانی بی‌مانندش، حضرت باران (سلام‌الله علیہا) و پدر و
بعل و خاندانش، حضرت عشق (علیہ‌السلام) و برادر و یاران باوفایش، حضرت بہار (عجل‌الله فرجہ)
و ظہور با طراوتش، حضرت روح‌خدا (رحمہ‌الله علیہ) و شہدایش، حضرت نایب (حفظہ‌الله) و
سربازانش.

امیدوارم مورد قبولتک باشد

مولای جمعہ ہایمان...

چکیده

حضرت جبرئیل روضه عطش پسر فاطمه را بر حضرت آدم می خواند و ندای لبیک هارابه او یادآوری می کرد،
تامعنای واقعی رشادت و عظمت ایمان اهل بیت را به آدم و فرزندانش گوشزد کرده باشد.

برگزاری مجالسی برای اهل بیت -علیهم السلام- از دیرباز در فرهنگ شیعه ریشه داشته و از همان سال های
آغازین پیدایش اسلام، کار خود را شروع نموده است که تاریخ به خوبی نمایان گر این مسئله می باشد و به
عنوان یک رسالت تاریخی نسل به نسل تکرار گشته و به دست ما رسیده است.

وجود مداحی و سخنرانی های بزرگوارانی چون جبرئیل امین، حضرت زینب -سلام الله علیه-، امام سجاد -علیه
السلام- و جابر بن عبدالله انصاری گویای اهمیت فراوان این مسئله می باشد. ودقت و اهتمام زیادی برای حفظ آن
لازم است؛ چراکه این مجالس مذهبی یکی از قوی ترین و کارآمدترین عوامل حیات دین و مکتب اهل بیت -
علیهم السلام- در طول تاریخ بوده است و نقش بسیار مهمی را در حفظ و حراست و گسترش مکتب تشیع و نشر
معارف اهل بیت - علیهم السلام - ایفا می کنند.

در ابتدای اسلام مجالس بیشتر مربوط به آقایان بود و مجلس مجزای بانوان کمتر دیده می شد؛ اما امروزه مجالس
مذهبی برای ائمه به دست بانوان نیز تشکیل می شود، و قشر بانوان در این مجالس بیشتر حضور می یابند، و برای انواع
مراسمات ولادت ها یا شهادت های ائمه -علیه السلام- جلسه ای را تشکیل می دهند. و به این ترتیب بانوان نگهبان
و محافظ قوی برای ارزش های مذهبی و معنوی دین به شمار می آیند.

در این میان گاه خواسته یا ناخواسته این مجالس با آسیب هایی همراه شده است که نه تنها مجالس را از هدف اصلی خارج نموده بلکه گاه اصل آن را زیر سؤال برده است. بر این اساس آسیب شناسی مجالس عزاداری و آسیب زدائی از آنها بزرگ ترین خدمت به اسلام و تداوم آن می باشد. این آسیب همامکن است درحیطه اعتقاد، اخلاق یا اجتماعی ضربه مهلکی واردسازد. از جمله آن انحراف، بدعت، غیبت، تجملگرایی، مدگرایی و... می باشد. لذا ضرورت براین است که آسیب های واردشده براین مجالس را بررسی کرد؛ و راهکارهای مفیدی را ارائه داد، تا از این آسیب ها بتوان جلوگیری به عمل آورد.

کلمات کلیدی: مجالس مذهبی، بانوان، آسیب شناسی، راهکار.

بخش اول: کلیات

مقدمه

تکلیف اجتماعی - مذهبی یک مسلمان، مخصوص مردان نیست. زنان نیز بنابه تعهد دینی و مسلمانی خویش، موظفند نسبت به جریانات مذهبی در جامعه مربوط به ائمه موضع داشته باشند.

از جمله این جریانات مجالس مذهبی می باشد. که یکی از قوی ترین و کارآمدترین عوامل حیات دین و مکتب اهل بیت - علیهم السلام - در طول تاریخ بوده است و نقش بسیار مهمی را در حفظ و حراست و گسترش مکتب تشیع و نشر معارف اهل بیت - علیهم السلام - ایفا می کنند، به گونه ای که در دل خود از هر قشر و صنف و نژادی را جای داده است و کارآمدترین پایگاه روشنگری عالمان دینی و خاستگاه فکری و معنوی اندیشمندان و مبارزین و انقلابیون و جوانان حق جو و خداجو بوده است.

مهمترین اثر برگزاری مجالس عزاداری، این است که جامعه انسانی که در پی مشکلات خویش از معنویت و صفای باطن دور گشته، لااقل برای مدتی حال و هوای دیگری بیابد و شیعیان در مدتی از زمان در جوی از معنویت و صفا قرار می گیرند و سبب زنده سازی و احیای دل و تقویت ترس و امید به رحمت الهی می گردد تا در پی آن جامعه به سوی اصلاح و سازندگی معنوی و مادی ناب به پیش رود.

در مجالس مذهبی بانوان به دلیل داشتن احساسات قوی دچار آسیب های گوناگونی می شود. این آسیب در شکل های مختلفی مورد بررسی قرار می گیرد، اما در این جابه صورت اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مورد پژوهش قرار گرفته است. از جمله این آسیب ها می توان به انحرافات، خرافه، بدعت، غیبت، مدگرایی، تجمل گرایی و... اشاره کرد.

عالمان و نویسندگان کتابهای مختلفی در جهت راهنمایی و ارشاد ما در این زمینه نوشته اند که اشاراتی در مورد تحریف، آسیب ها و بیشتر عزاداری و مباحث مربوط به آن؛ در آنها شده و باید با عمل، پاسخ سوالات خود را در این کتاب ها بیابیم. از جمله این کتابها شامل اصول کافی، بحار الانوار، حماسه حسینی شهید مطهری، رساله شور و شعور، فرهنگ عزاداری و.... می باشد. در این تحقیق مفهوم جلسه مذهبی بانوان، آسیب شناسی مجالس مذهبی به روش نقلی-وحيانی و به شیوه توصیفی - تحلیلی از نوع کتابخانه ای نوشته شده است.

مفهوم شناسی

مفهوم مجالس مذهبی بانوان

مجالس جمع مجلس به معنای نشستن و همنشینی با افرادی می باشد مجالس مذهبی، مجالسی است که مربوط به دین و شریعت می باشند و پایبند به آداب و رسوم هستند. علاوه بر حفظ مکتب اهل بیت عامل فوق العاده نیرومندی برای بیداری مردم و ضامن تداوم و بقای اسلام می باشد، مجالس عزاداری در طول تاریخ منشأ روشنگری و ره یابی به حقیقت بوده است؛ اگر مجالس مذهبی نبود، شیعیان نمی توانستند به سان یک جامعه پر قدرت و پر نفوذ در کوران حوادث بنیان افکن و در نظام‌های جور و ستم دوام بیاورند و حیات خود را ادامه بدهند.

در تاریخ مجالس مذهبی زیادی مشاهده می شود اما بی شک یکی از با شکوه ترین مراسم های مذهبی و آیینی که هر ساله برپا می شود، عزاداری برای سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله... الحسین (ع) و خاندان و یاران پاکش است.

مجالس مذهبی فقط مربوط به آقایان نیست بلکه بانوان نیز در این امر مهم حضور دارند و مجالس مذهبی مخصوص به خود را تشکیل میدهند. بانوان از کلمه بانو به معنای رئیسه، و یا از کلمه بان به معنای حارس و حافظ و دارنده و امثال آن است. پس بانوان حافظ و نگه دارنده مهمی برای ارزش های مذهبی و معنوی دین به شمار می آیند.

در این میان گاه خواسته یا ناخواسته این مجالس با آسیب‌هایی همراه شده است که نه تنها مجالس را از هدف اصلی خارج نموده بلکه گاه اصل آن را زیر سؤال برده است. بر این اساس آسیب‌شناسی مجالس عزاداری و آسیب‌زدائی از آنها بزرگ‌ترین خدمت به اسلام و تداوم آن می‌باشد.

آسیب‌شناسی در لغت به معنای شناخت درد ورنج و خسارت است و در اصطلاح یعنی شاخه‌ای از دانش اطلاق می‌شود که هدف آن شناخت بیماری‌های روانی، فردی و اجتماعی و نحوه تکوین، رشد و دگرگونی آنان است.

بخش دوم: آسیب های مجالس مذهبی بانوان

آسیب های مجالس مذهبی بانوان

یکی از نکات مسلم درحقایق هستی، این مطلب است که برای هرچیزی آفتی وجود دارد؛ همانطور که آفت دانش نسیان و فراموشی، آفت دوستی خیانت و آفت راستی دروغ گفتن ... بنابراین شناختن آفت اشیاء که به منزله پیراستن عنوان مدنظر و حقیقت مورد توجه از کسری و کاستی است، امری بدیهی می نماید.

مسئله آسیب شناسی از نکات بارز و مورد توجه موکد در آموزه های الهی و اخلاقی است که همواره از سوی اولیاء دین بر آن پافشاری شده است. حال با توجه به این پیشینه اگرچه آسیب شناسی مباحثی مربوط به عزاداری از زوایای مختلف مورد توجه و تعمق است ولی با عنایت به موجز بودن این نوشتار و مراعات مقتضای حال به اهم آن در یک فصل اشاره می شود.

محافل و مجالس مذهبی چشمه های زلال جوشانی هستند که باید از آن ها به شدت مراقبت و محافظت شود تا آفت و آسیبی نبینند و به درستی بتوانند رسالت خود را انجام داده و تشنگان حقیقت را از اقیانوس کران ناپیدای معارف اهل بیت سیراب نمایند و بر شیعیان و محبین امام علی - علیه السلام - لازم است که این هشدار سازنده و راه گشای حضرتش که «لکل شیء آفة، برای هر چیزی آفتی است»^۱ را جدی گرفته و غفلت و کوتاهی نکنند.

بانوان در طول سال در تمامی مناسبت های مربوط به ائمه - علیهم السلام - که شامل ولادت ها و شهادت هامی باشد، مراسمی را تشکیل می دهند و بانوان بسیاری در سنین مختلفی در این جلسات مذهبی حضور می یابند . امیر المومنین - علیهم السلام - درباره حضور شیعیان شان در غم و شادی ائمه - علیهم السلام - این چنین می فرمایند:

^۱ - غرر الحکم و درر الکلم، علی بن ابی طالب، عبدالواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶، ص ۴۳۱، شماره ۹۸۴۳.

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ يَنْصُرُونَنَا وَ
يَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِيْنَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ
إِلَيْنَا. خداوند متعال به دنیا توجه فرمود، و ما را برگزید و بعد برای ما شیعیان را
برگزید که ما را یاری کنند، در خوشحالی ما خوشحال باشند و در حزن ما
محزون گردند، مال و جان خود را در راه ما فدا می کنند آنها از ما هستند .^۱

باید توجه داشت که حضور در مجالس مذهبی نقش بسیار مهمی را در شکوفایی عقل و خرد جمعی دارد
و اینگونه مجالس در جهت معرفت یابی نسبت به ائمه - علیهم السلام - تاثیر بسزایی دارند، به گونه ای که امام رضا -
علیهم السلام- در پاداش کسانی که امر ائمه را احیا میکنند، می فرماید: « مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ
قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ . هر کس در مجلسی بنشیند که در آن ، امر (و خط و مرام ما) احیا می شود ، دلش
در روزی که دلها می میرند ، نمی میرد.»^۲

در این مبحث آسیب شناسی مجالس مذهبی بانوان در زوایای مختلف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی
قرار می گیرد. این آسیب هاهم به صورت محتوایی و هم به صورت شکلی می باشند اما به طور کلی هر کدام از این
آسیب های موجود، در دسته های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی قرار می گیرد.

^۱ الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۶۳۵
^۲ بحار الانوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، دوم، ۱۳۶۲. ج ۴۴، ص ۲۷۸

فصل اول: آسیب های اعتقادی

۱- آسیب های اعتقادی

از نیازهای قطعی و اساسی برای داشتن زندگی سالم و توأم با آرامش و موفقیت، داشتن ایمان و اعتقاد مذهبی صحیح و پایدار است. ایمان و اعتقاد به خدا بسان داروی شفابخشی است که اضطراب ها، نگرانی ها و ناهنجاری ها را می زداید و به زندگی رنگ و بوی الهی می بخشد.

مجالس مذهبی مکان مناسبی برای تشکیل اعتقادات صحیح انسان می باشد. حال اگر در این شکل گیری خدشه و آسیبی وارد شود، فرد دچار بی اعتقادی نسبت به خدا و رسالت انسان هایی که از سوی خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آمده اند، می شود.

بسیاری از انسان های سست بنیاد و بی اعتقاد به مسائل مذهبی، در مقابل مشکلات زندگی پیچیده دنیای مدرن توان ایستادگی ندارند.

از جمله آسیب های مجالس مذهبی بانوان که در زمینه اعتقادات آدمی قرار دارند و تاثیرات ناپسندی را بر اعتقاد می گذارند عبارت است از: تحریفات، خرافات، بدعت ها، بیان مطالب واحکام و روایات بدون سند یا با سند ضعیف، مدعیان دروغین و ارتباط با ائمه (علیه السلام)، اعتبار بخشیدن به خواب ها و رؤیاها.

شاید در نگاه اول خرافه و تحریف یک معنا و مفهوم داشته باشد اما با توجه به تعاریفی که از این دو مطلب به عمل آمد، تفاوت آنها در این است که خرافه چه بسا اساسی ندارد، ولی تحریف اساس و مبنایی دارد، این اساس، همان واقعیت و ازگون شده است. به عبارت دیگر در تحریف چیزی است که تغییر می کند، اما در خرافه اساساً چیزی

نیست، بلکه صرفاً ساخته شده و امری موهوم است. به همین دلیل خرافه و تحریف را در دومبحث جدای ازهم بررسی می کنیم.

۱۰۱ تحریف

یکی از اهداف مهم انبیاء و اولیای الهی مبارزه با تحریف ها می باشد. به طور مثال قیام عاشورا به عنوان یک واقعه بزرگ که به همت ولی خدا انجام شد، در طول گذشت تاریخ هزار و سیصد و اندی ساله خود دچار تحریف هایی شده است. این تحریف ها بر اعتقادات افراد درباره این قیام تاثیر سوئی دارد. البته ممکن است در مواردی بر محتوی اصلی قیام هم تاثیر خود را بگذارد. تحریفات در قیام عاشورا از آسیب های جدی است که مجالس عزاداری را تحت شعاع قرار می دهد. این تحریفات گاه در قالب سخنرانی و کتاب می باشد و گاه در قالب شعر بروز می کند. و همچنین این تحریفات درباره تلاش ها، اهداف و زندگانی تمامی امامان وجود دارد.

تحریف در لغت به معنای تغییر و تحول و مبدل ساختن ظاهریا دلالت یک لفظ یا معانی دیگر است که مورد نظر واضح لغت یا مدلول لفظ نباشد.^۱

امام صادق م لاک حق و باطل و شناخت تحریف دین از غیر آن را به عهده علمای دین نهاده و افراد را به

متابعت از آنان سفارش نموده است:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَذَآكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِرْهَمًا وَ لَا دِينَارًا وَ إِنَّمَا أُورِثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حِطًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُذُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَ انْتِحَالَ الِ مُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ؛ دانشمندان وارثان

^۱ اغلب کتب لغت همین معنارارسانده اند.

پیامبرانند. و این بدان جهت است که پیامبران درهم و دیناری از خود برجای نمی‌گذارند، بلکه سخنان و احادیثی از خود برجای می‌نهند، پس هر کس چیزی از آنها را بگیرد، به بهره فراوان دست یافته است. اکنون بنگریم که علم خود را از چه کس می‌گیرید! زیرا که در میان ما اهل بیت در هر نسلی مردمان عادل هستند که دین را از تحریف گزافکاران، و ساخته‌های باطل‌پسندان، و تأویل نادانان می‌پیرایند.^۱

طبق این حدیث شریف، کسانی که بدون توجه به آموزه‌های دینی و نیز توصیه‌های عالمان دین، عزاداری‌ها را با تحریفات و خرافات می‌آمیزند و گاه برنامه‌هایی اجرا می‌کنند که نه تنها خلاف شرع بلکه موجب وهن دین و مذهب می‌شوند، نادان و گاه دشمنان تشیع می‌باشند و همراهی با آنان نیز در حکم کمک به آنان در وهن دین محسوب می‌شود.

از عوامل مهم تحریفات ایجاد شده در مجالس مذهبی غرضها و دشمنی‌های دشمنان، تمایل بشر به اسطوره و افسانه‌سازی، پندار به تقویت واقعه می‌باشد.

■ غرض‌های دشمنان

گاهی دشمن برای اینکه به هدف خود یعنی تحریف واقع برسد، تغییر و تبدیل‌هایی در متن تاریخ و یا توجیه و تفسیرهای ناروایی از تاریخ می‌نماید.

^۱ - اصول کافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱. جلد ۱، صفحه ۱۴۱.

این عامل در تحریفات عاشورا نقش اساسی داشت . مثلاً بنی امیه از همان ابتدا امام حسین - علیه السلام - و یاران با وفای او را خارج از دین می خواندند تا بدینوسیله جنایات خود را توجیه کنند.

■ تمایل بشر به اسطوره سازی

در بشر یک حس قهرمان پرستی وجود دارد . معمولاً انسان ها به قهرمان ها و نابغه هایی که بسیار علاقه دارند، افسانه می بندند. این عامل در قیام امام حسین (علیه السلام) نیز وجود داشت . مانند نحوه جنگیدن حضرت ابو الفضل(ع) در میدان جنگ که گفته شده با نوک شمشیر خود تعداد هشتاد نفر را به آسمان پرت کرد وقتی هشتادمین نفر به بالا پرت شد، اولین نفر به زمین فرود آمد.

■ پندار به تقویت واقعه

گاه یک واقعه آنقدر مورد علاقه است و افراد می خواهند زنده بماند، که نکاتی را به آن می افزایند یا احیاناً از آن می کاهند تا به زعم آنان بیشتر و بهتر در طول تاریخ باقی بماند.

در نهضت حسینی چه بسا افراد می پنداشتند اگر به روضه های و مصیبت ها نکاتی را گر چه در واقع رخ نداده است، بیفزایند ماندنی تر خواهد شد . مثل جریان عروسی قاسم بن حسن (ع) که کاملاً ساختگی است، ولی روضه خوانان چه بسا به این دلیل که به زعم خود به شور مجالس بیفزایند و مردم را بیشتر بگریانند، آن را اضافه کرده اند، اما آیا استفاده از هر وسیله ای برای گریاندن مردم جایز است؟!

انسانهایی که همواره بغض و کوردلی نسبت به خدا، ائمه و دین دارند به طور دائمی و مستمر در پی ایجاد تحریف

هایی هستند. خداوند در باره این افراد می فرماید: «كَذَّبَ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ؛ عادت آنان در انکار و تحریف حقایق، همچون عادت آل فرعون و کسانی است

که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت، و خداوند،

شدید العقاب است.»^۱

وقایع تاریخی بسیاری در این مجالس دچار تحریف و تغییر گشته اند. یک نمونه از تحریف در وقایع عاشورا که از معروفترین قضایا شده است و حتی یک تاریخ هم به آن گواهی نمی دهد قصه -لیلا- مادر حضرت علی اکبر است... علی اکبر که به میدان رفت، حضرت به -لیلا- فرمود که از جدم شنیدم دعای مادر در حق فرزند مستجاب است، برو در فلان خیمه خلوت م و هایت را پریشان کن و در حق فرزندت دعا کن؛ شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند. اولاً لیلابی در کربلا نبوده که چنین کند. ثانیاً اصلاً این منطق، منطق حسین علیه السلام نیست... نمونه دیگر بعد از اینکه -لیلا- رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود از کربلا تا مدینه را ریحان بکارد. یعنی نذر کرد سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد.

^۱ قرآن، مکارم شیرازی، دارالقرآن کریم، تهران، ۱۳۸۸، آل عمران/۱۱.

۲۰۱ خرافه

واژه خرافه، دقیقاً نقطه مقابل هر عمل و جهت گیری است که بر مبنای خرد و عقل و تعقل می باشد خرافه و خرافه پرستی، بلای جان بینش خردگرایانه و حتی احساسات مبتنی بر تعقل محسوب می شود.

مسئله راهیابی خرافه به مجالس مذهبی هر چند تدریجی و به مرور صورت گرفته باشد، از مجموعه تحریفات بی اثر نبوده و به نظر می رسد که حداقل در قرون معاصر، افراد و جریانات مشکوک و وابسته به بیگانه عمداً یا جهلاً به آن دامن زده اند.

خرافه و ویروس خطرناکی است که اگر در هیئت ها و مجالس مذهبی راه پیدا کند، نابود کننده‌ی اندیشه‌ی دینی و موهن مذهب خواهد بود.

طبق آمار و بررسی‌های انجام شده زنان بیش از مردان به مسایل مذهبی گرایش دارند و این موضوع درباره‌ی همه زنان اعم از مسلمان و غیر مسلمان صدق می کند. با وجود این می توان گفت که تمرکز به احساسات و رویکرد آن‌ها در توجّه به این مسأله می تواند زمینه‌ی مساعدی را برای بروز خرافات در این گونه جلسات فراهم نماید.

عوامل مختلفی برای ایجاد خرافه وجود دارد از جمله این عوامل عبارتند از: جهل و نادانی، تقلیدهای کورکورانه و بی پایه، احساسات به جای تعقل می باشد.

- جهل و نادانی

مهمترین علت خرافه زایی و حتی پذیرش خرافات، نادانی مردم است. قرآن نیز همین علت را ریشه انواع بت پرستی معرفی می کند و انسان‌ها را به عبرت آموزی دعوت نموده است.

بعضی از بانوان در کنار مراسم طبخ سمنو است ، و آن این که به اعتقاد آنها بعد از گذاشتن درب دیگ سمنو، در سحر گاه، حضرت فاطمه سلام الله علیها در آنجا حاضر می شود ، در آینه نگاه می کند و به چشم سرمه می کشد! و سپس با قرار دادن پنج انگشت خود بر روی سمنو ، آن را متبرک میکند ! البته گاهی مراسم دیگری هم در کنار پختن سمنو انجام می گیرد که همراه با برگزاری برنامه های خرافی است.

- تقلیدهای کورکورانه و بی پایه و اساس

گاهی خرافه‌ای چنان رواج می‌یابد که اگر افرادی به آن عمل نکنند، احساس می‌شود جرم و خطایی انجام داده‌اند، از جمله هزینه کردن مقدار زیادی پول برای خرید وسایل مورد نیاز مجالس امروزی .
و گاهی در بعضی مجالس برای برگزاری استقبال از خرید یک نوع وسیله مربوط به هیئت بانوان، در آن جلسه جمع می‌شوند. به گمان برخی از آنها این یک نوع سنت درست است و پیروی از آن واجب می‌باشد.
مشکل بعدی ترتیب دادن مراسم «کاچی سه شنبه» ، که از قدیم رواج داشته است . خانمها نذر می‌کنند که این غذای ساده را تهیه کنند و بایستی فقط بانوان از این غذا بخورند و هیچ مردی نباید از این غذا بخورد و حتی خانم باردار، چون ممکن است فرزندش پسر باشد! و چنان که مردی از این کاچی بخورد حتما به زندان می‌افتد و حتی اگر آسمان «کاچی» را ببیند یعنی ظرف را بدون در پوش بیرون ببرند صحت نذر به خطر می‌افتد ! و زمانی هم که مشغول خوردن «کاچی» هستند یک نفر داستان مربوط به آن را که خرافه‌ای بیش نیست تعریف میکند.

- احساسات به جای تعقل

معمولاً بیشتر مردم به دنبال امتناع عقلی و منطقی نیستند، لذا با تحریک احساسات و عواطف، می‌توان آنها را به کاری وا داشت، یا از آن بازداشت، هر اندازه فرد و اجتماعی اهل تعقل، تفکر و منطق و استدلال باشند، خرافات در میان آنها کمتر خواهد بود.

برای مثال استفاده از شمایل و تمثیل معصومین-علیهم السلام- در مکان‌های مذهبی و عزاداری‌ها که اسلام-بر خلاف مسیحیت- به همین دلیل با مجسمه سازی و مجسمه تراشی مخالفت می‌کند. آنها بانصب شمایلی از امامان به برانگیختن احساسات افراد می‌پردازند.

در برخی از جلسات هم برگزار کننده درخواست روضه حضرت قاسم -علیه السلام- را می‌کند و مدّاح روضه حجله قاسم همراه با اشعار نا مناسب را مطرح می‌کند و مخاطبین نیز اعتراضی ندارند. این مبحث ایجاد شده در مجالس امروزه متأسفانه وسعت بسیاری دارد، و بانوان به دلیل غلبه احساسات خود هیچگونه تعقلی نسبت به این موضوع ندارند.

۳۰۱ بدعت

بدعت از نظر لغوی یعنی چیزی را بدون سابقه و الگوی قبلی ایجاد کردن، یا گفتاری را بی‌پیشینه بر زبان آوردن می‌باشد.

بدعت از لحاظ اصطلاحی یعنی امر تازه‌ای که اصلی در کتاب و سنت ندارد،^۱ و به طور کلی بدعت یعنی کم و زیاد کردن دین و در عین حال این کار را به نام دین انجام دادن می‌باشد.

^۱ مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، به کوشش محمود عادل، تهران، ۱۳۶۷-هـ. ش، ج ۱، ص ۱۶۴.

در واقع بدعت، عبارت است از نوآوری عقیده یا عملی در حوزه دین بدون استناد به منابع پذیرفته شده در

استنباط احکام، همچون قرآن و سنت معصومان علیهم السلام که از آن به تشریح در دین نیز تعبیر می‌شود.

مقابل بدعت، «سنت» قرار دارد که عبارت است از مجموعه عقاید، اخلاقیات و احکام عملی که رسول خدا صلی

الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، پایه‌گذاری کرده‌اند.

از آنجایی که زندگانی ائمه سراسرامر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، لذا مسئله بدعت در این بحث نیز وجود

دارد. مانند قیام امام حسین علیهم السلام، ظهور امام زمان -عجل الله تعالی فرج شریف و.... .

تمامی بدعت‌ها سیئه و گناهان کبیره‌ای هستند که در حد شرک می‌باشند.

امام علی - علیه السلام - درباره بدعت می‌فرماید: «مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ؛ چیزی مانند بدعت‌ها دین را

ویران نکرده است.»^۱

واما خداوند متعال در نکوهش رهبانیت که یک نوع بدعت در زمان حضرت عیسی بود می‌فرماید:

«...وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ

وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ در دل کسانی که از او (عیسی) پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی که به

بدعت آورده‌اند و ما بر آن‌ها مقرر نکرده‌ایم، اما در آن‌ها خشنودی خدا را می‌جستند، ولی حق آن را رعایت

نکردند. ما از آن‌ها میان به کسانی که ایمان آورده بودند پاداش دادیم ولی بسیاری از آن‌ها نافرمان بودند.»^۲

^۱ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۲، ح ۹۸.

^۲ حدید/۲۷.

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - همچنین درباره فرد بدعت گذار می فرمایند: «أَبَى اللَّهُ لِصَاحِبِ الْبِدْعَةِ بِالتَّوْبَةِ

خداوند توبه بدعت گذار را نمی پذیرد.»^۱

مجالس مذهبی بانوان خالی از بدعت نیست بدعت هایی که باعث پایه گذاری اعتقادات نادرست می باشد این

بدعت هاممکن است به صورت های زیر بیاید:

ورود آلات موسیقی نامناسب و حرام به محافل عزاداری ، ورود دف در مراسم اعیاد و ولادت ها، غلو در مقام اهل بیت - علیهم السلام -، تجانس برای خدا، هلول خدا در اهل بیت - علیهم السلام - ، تشبیه اهل بیت - علیهم السلام - به خدا و

گاهی خانم هایی که مجلس گردان این جلساتند از وسع اطلاعات و نیروی علمی کافی برخوردار نیستند که عهده دار معارف دین می گردند، در نتیجه معارف دین آن طور که باید و شاید به گوش مخاطبان نمی رسد. با ارائه ی برخی مسایل ناصحیح و خارج از حوزه ی اصول شرعی و اسلامی، طرح مطالب شبهه انگیز و ... باعث سستی عقاید مخاطبان نسبت به دین و به ویژه به واقعه ی عاشورا و پیام های حقیقی آن می شوند. و مباحث مطرح شده توسط آنها به نوعی به سمت بدعت گذاری کشیده می شود؛ چراکه ناگاهی آنها از مسائل دین و غلبه کردن عواطف و احساسات بر آنها باعث مطرح شدن مسائلی نسبت به ائمه می شود که هیچ گونه صحتی ندارند

علاوه بر این مسئله، آن چه که در مجالس زنان بیان می شود، زبان به زبان پخش می گردد و متأسفانه بیشتر مستمعان این گونه جلسات فقط شنونده هستند و چنین می پندارند مطالبی را که سخنران بیان می کند برای آن ها حجت است. همین مسأله به دین آسیب می زند زیرا باعث می شود که احکام و معارف دینی به نوعی بی پایه و

اساس، جلوه داده شود. و تمامی زنان داخل جلسه و گاهی خارج جلسات هم که اطلاعات کافی از مسائل دینی

ندارند این مطالب پذیرفته و قبول می کنند.

^۱ بحار الأنوار: ج ۶۹، ص ۲۱۶، ج ۸.

یکی از این آسیب‌ها در مبحث بدعت گذاری مساله - غلو - در باره پیشوایان است. سرچشمه این انحراف از آنجا است که انسان علاقه دارد که رهبران و پیشوایان خویش را بیش از آنچه هستند بزرگ نشان دهد تا بر عظمت خود بیافزاید.

گاهی نیز این تصور که غلو در باره پیشوایان، نشانه ایمان به آنان و عشق و علاقه به آنها است سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می‌شود. غلو همواره یک عیب بزرگ را همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب می‌کند. امیر المومنین علی - علیه السلام - درباره غلو کنندگان می‌فرماید: «هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ؛ دو گروه درباره من هلاک شدند، آنها که غلو می‌کنند [و ما را برتر از مقامان معرفی می‌کنند و همچون خداوند می‌ستایند] و دشمنانی که به ما دشنام می‌دهند»^۱

^۱ نهج البلاغه، علی بن ابی طالب، محمددشتی، امام عصر، جعفری، اول، قم، ۱۳۸۷، حکمت ۱۱۷.

۴۰۱ اعتبار بخشیدن به خواب‌ها و رؤیاها

ورود خواب، مکاشفات در عرصه معارف اسلامی به عنوان یک مبنا موجب طرح سست معارف اسلامی شده است. اگر خواب مقدس واقع شود؛ چون راهی برای اثبات و نفی آن نیست حربه ای محکم بر اعتقادات مذهبی انسانها می شود که توسط شیادان شکل می گیرد تا از این رهگذر دروغ های خود را جابی نوازند. عرب ها و مسلمانان بیش از هر ملت دیگری از حیث اجتماعی تحت تأثیر رؤیاها قرار دارند و لذا بسیاری از باورها و عادات مقدس ما از رؤیاها برخاسته اند تا آنجا که گاه برخی از متدینان، رؤیا را همچون وحی غیر قابل تردید و انکار می پندارند.

گاه نیز دیدگاه برخی از علمای دین نسبت به خواب و رؤیات اثیراتی منفی در زندگی و منش عوام داشته است. به نحوی که اگر امام یا نیک مردی به خواب کسی می آمد و او را به انجام کاری دستور می داد وی بلا درنگ در صدد تحقق آن خواسته برمی آمد.

در بسیاری از جلسات خواب‌هایی نقل می گردد که با اصل دین و حقیقت در تضاد می باشد هم چنین برخی از گویندگان این جلسات با نقل خواب‌ها و مکاشفات، تمام وقت جلسه را پیرامون این مسأله می گذرانند و سعی می کنند خود را مقدس و نظر کرده جلوه داده، از این طریق مخاطبان را فریب دهند.

در مسئله خواب و رویا باید به فرد بیننده خواب و خود خواب دقت بسیاری کرد تا درستی و نادرستی خواب مشخص شود؛ لذا پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الرؤیا ثلاثة بشرى من الله و تحزن من الشيطان والذى يحدث به الانسان نفسه

فیراه فی منامه؛ خواب و رؤیا سه گانه است؛ گاهی بشارتی از ناحیه خداوند

است گاه وسیله غم واندوه از سوی شیطان، و گاه مسائلی است که انسان در

فکر خود می‌پروراند و آن را در خواب می‌بیند.^۱

از این حدیث استفاده می‌شود که خوابهای رحمانی که جنبه بشارت دارد حتماً باید خوابی لطیف که از حادثه

مسرت‌بخش در آینده پرده بردارد.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

«خواب بر سه قسم است: محکم، متشابه، اضغاث احلام. و اضغاث احلام را

چهار دسته از مردم می‌بینند: ۱- کسانی که در مزاجشان فساد و بیماری راه

یافته باشد (مریض، تب‌دار و بیماران روانی). ۲- مستان (افرادی که با خوردن

چیزی مست شده‌اند). ۳- کسانی که غذاهای غلیظ و سنگین خورده باشند. ۴-

کودکان نابالغ.»^۲

اعتقادی که توسط یک خواب و رویا شکل گیرد مطمئناً با خواب هم از بین می‌رود. در هیچ بخشی از معارف

اسلامی وجود ندارد که اهل بیت (ع) کسی را با خواب و رؤیا هدایت کرده باشند، یا اینکه امروزه ملاقات با ولی الله

الاعظم به این ابتدالی درآمده است که هم اینک در کتابها نوشته و در جلسات گفته می‌شود.

درحالی‌که ملاقات در غیبت کبری به دو صورت واقع می‌شود؛ ملاقات در حال اختیار یا ملاقات در حال

اضطرار، ملاقات در حال اختیار منحصر به افرادی نظیر-سید بن طاووس- است که احیاناً امام را دیده و شناخته و

از او کسب فیض کرده‌اند.

^۱ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی، تهران، سی و دو، ۱۳۷۴. ج ۹، ص ۳۱۲.
^۲ کامل‌التعبیر، شیخ ابوالفضل حبیب بن ابراهیم تفلیسی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲، ص ۳۲.

اما ملاقات در حال اضطراب مربوط به افرادی است که در حال گرفتاری شدید به ذیل عنایت امام توسل می شوند و امام خود یا توسط افرادی که دارند از او دستگیری می نمایند و آنها که در اثر لیاقت و شایستگی به فیض دیدار موفق می شوند به کسی نمی گویند.

پس هر خواب و هر بیننده خوابی برای افراد قابل اعتماد نیستند اما امروزه در میان جلسات مذهبی شیوع پیدا کرده است و چون بانوان از عواطف و احساسات بیشتری برخوردارند و همواره به دنبال اموراتی چون فالگیری هستند پس خواب و رویاها بر آنها بیشتر اثرگذار است به همین دلیل افرادی که این قصد پیدا دارند در میان جمع بانوان بهتر و آسان تر می توانند به اهداف خود دست پیدا کنند.

از آن جمله می توان به خواب های بی پایه و اساس راجع به دیدار بعضی از خانمهای داخل این جلسات باشخص امام زمان اشاره کرد. اینگونه خواب هادربین بانوان بیشتر شایع است به طوری که خود را همسر ، دختر یا نوه امام معرفی می کنند به این سخنان خود دامن زده تا جایکه همسر و پدر و پدر بزرگ خود را -نعوذ بالله- با عنوان امام زمان معرفی می کنند.

و با گذشت جلسات بیشتر با دقت کامل به معرفی غلو آمیز امام زمان دروغینشان می پردازند. و در صدد جلب یارانی هم برا او هستند و در این بین از بانوان می خواهند تا هرگونه عملی حتی خلاف شرع و حرام انجام دهند و به اعمال زشت خود رنگ و بوی الهی می بخشند.

و حتی در این بین به بیان داستان هایی نیز می پردازند که گاهی گوینده داستان و یا قهرمان داستان ماجرا را از خواب و رویاهای خود تعبیر می کنند.

از خانمی ایرانی در منطقه سردزک نقل شده است که تربتی از امام حسین علیه السلام را در جعبه کوچکی نگهداری می کرد. این تربت در عاشورای هر سال، خون آلوده گشته و اطراف خود را نیز خونین می ساخت. سپس به تدریج خون ها خشک گشته و به حالت اولیه بازمی گشت.^۱

درحقیقت تأویل رؤیا در روزگاران قدیم بر عهده فیلسوفانی آن جوامع بود که دین و حکمت را در یک جا در خود داشتند. از آن جمله می توان به ابن سیرین اشاره کرد که رؤیاهای صادقه را بخشی از چهل جزء نبوت شمرده و کتابی در تعبیر خواب نیز نگاشته بود. او تنها کسی را سزاوار تعبیر خواب می شمرد که دانای به کتاب خدا و سنت پیامبر بوده و آشنای به زبان عرب و اشتقاقات الفاظ باشد و نسبت به حالات مردمان، آگاه بوده و پاکدامن و خوش سیرت و راستگو باشد.

بنابراین یک معبر خواب باید روانشناس و فیلسوف و دین شناس و زبان دان و باخلاق باشد. وهرکسی در این جلسات نمی تواند یک خواب را برامری دلالت دهد و آن را تعبیر کند هرچند آن خواب راست و رویای صادقه باشد.

^۱ محمد عبدالرسول بلاغی، الشعائر الحسينية العقائدية عبر التاريخ، لندن، بی تا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵ - ۹۲.

۵۰۱ مرید پروری

مرید در لغت به معنای سرکش ، خبیث ، متمرّد و شریر است. و مرید پروری متمرّد و سرکش و بیرون رونده از فرمان خدای تعالی و رانده شده می باشد.

مرید پروری صورت تحریف شده، امامت است. امام را از حد خویش فراتر بردن و او را به مقام و منزلت الوهی بر کشیدن است . در مرید پروری فرد از تقرب به خداوند باز می ماند . گاهی مرید پروری خارج از مسئله امامت می باشد، منظور از مرید پروری یا رابطه مرید و مرادی، در این معنا، رابطه ای است؛ میان مربی و م‌تربی که در آن نظر بر این است که تمام عمل و سخن مربی درست و صحیح است.

منظور از مرید پروری این است که در جریان تربیت دینی، افراد چنان تربیت شوند که مربی را به چشم مراد خویش ببینند، به این معنا که وی را ورای سؤال قرار دهند و او را چنان بنگرند که گویی منشأ اولیه حق است. این شأن تنها از آن خداست و جز او هر که باشد، نه منشأ اولیه حق است و نه در ورای سؤال قرار دارد.

در طرف دیگر مرید پروری ، تکروی قرار دارد ، که هر دو لغزشگاه محسوب می شو و حد میانه در اینجا الگوپردازی است. تکروی در جریان تربیت دینی ، به دو صورت رخ می دهد ؛ نخست با نفی امامت و دوم با پذیرش آن می باشد و در عین حال ، تعمیم آن ، به گونه ای که هر کس می تواند امام خویش باشد. در نتیجه فرد از استفاده الگوها باز می ماند و در حد خود محدود می شود.

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ: گروهی از مردم ، بدون هیچ علم و دانشی ، به مجادله درباره خدا برمی خیزند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند.»^۱

مرید یعنی پلید و مجادله درباره خدا بدون علم یعنی اینکه انسان در مسائلی که بازگشت آن به صفات و افعال خدا باشد سخنانی براساس جهل و بدون علم بگوید و برآن اصرار بورزد . و در این راستا خود را شیطان پیروی می کند و افرادی نیز به پیروی خود برمی گزینند. آنها را در این راه تشویق می کنند.

بعضی از مردم - یعنی مشرکین - درباره خدا بدون علم سخن می گویند و بر جهل خود اصرار می ورزند و به هر باطلی اعتقاد می یابند و به آن عمل می کنند و چون محرک آنها شیطان خبیث و فاسد و عاری از خیر است ، در حقیقت اینها به اغوای شیطان متمایل شده اند و در اعتقاد و عمل از او پیروی می کنند و این گمراهان در پیروی از باطل به هیچ حدی متوقف نمی شوند چون استعداد پذیرش حق در آنها نابود شده و قلبشان بر باطل مهمور گشته است . و به دنبال پیروی از هر فرد و مسلک ناحقی می باشند.

این مریدپروری تا آنجا ادامه می یابد که هر فرد مذهبی و دینداری را نیز تحت تسلط خود قرار می دهد . تا آنجا که هر چه فرد بگوید مورد تصدیق مریدان او قرار می گیرد.

حد میانه در این محور ، الگو پردازی است ؛ الگو پردازی در مفاهیم دینی ، در درجه ی اول ناظر بر وجود انسان های والایی است که خداوند آن ها را برگزیده و با مصون داشتن آنها از خطا آنها را - امام- و -سوه- قرار داده است.

^۱ حج/۳.

الگو پردازی و امامت حاکی از رابطه ای مرید و مرادی نیست؛ زیرا الگو و امام، خود را همواره با حق ملازم می کند نه این که خود را مبدا حق بداند. وقتی صحبت از اولیای خدا می آید از کلماتی چون - مع، - مع الحق - استفاده می شود.

مریدپروری در فرقه های بهائیت و صوفیه و دیگر فرقه ها یک اصل اجتناب ناپذیر است در حالی که اسلام آن را نهی کرده و خطرناک شمرده است.

امروزه خطر مرید پروری در مجالس مذهبی بانوان به اشکال مختلف نیز دیده می شود. متأسفانه مجلس عزاداری ما تفکربرانگیز نیست و به جای تربیت متفکر، مرید پرورش می دهد. اتفاقی که هم اکنون در جامعه ما در حال روی دادن است برعکس آن چیزی است که در شیعه علوی پیش آمده است. مناسک مذهبی به گونه ای برگزار می شود که با اصل دین و رسالت حرکت آن بزرگواران کاملاً در تضاد است.

برخی مداحان در مجالس عزاداری از ائمه بت های بزرگی می سازند و حتی بعضی مواقع آنها را در حد خدا - نعوذ بالله - بزرگ می کنند. این گونه تصویرسازی برای مردم عادی باعث می شود تا جو فکری جامعه به سمتی حرکت کند که ائمه (ع) را افرادی جدا از جامعه به حساب بیاورند و آنها را از جنس آدمیزاد ندانند و برای آنها جایگاهی دست نیافتنی درست می کنند.

در صورتی که ائمه (ع) در میان جامعه و از جنس آدم بوده اند و تمام فعالیت های آنها از متن جامعه برخاسته است.

به دنبال جو سازی های نامناسب افراد به انحراف کشیده می شوند؛ زیرا همه چیز به صورت غیرواقعی به مردم نشان داده می شود. به طور حتم این مسائل انحطاطی، به مرور زمان به باور مردم تبدیل شده و درست کردن آن در آینده بسیار مشکل خواهد شد.

در برخی از مجالس بانوان فقط یک مداح راقبول دارند و این عقیده از جوسازی اشتباه آن مداح ایجاد شده است، به گونه ای که فقط در جلسات او حضور می یابند به طوری که کاملاً مرید پروری در آنها مشاهده می شود. برخی مداحان و سخنرانان با اطلاعات نادرست، بیش از حد ائمه را بزرگ می کنند، خود را با عواملی چون خواب و کرامت - که پیش از این توضیح داده شد- به ائمه منتسب کرده و مریدانی را برای خود جمع می کنند با اهدافی چون: کمبود شخصیتی، شهوت، قدرت، وابستگی به اعضای مجالس، غفلت از خدا، توجه افراطی به اعضای حلقه های تشکیل شده و در نهایت نبود نظارت کافی و منحرف شدن از هدف و انگیزه اصلی مجالس می باشد.

۶۰۱ ترویج عرفان های نوظهور

مهمترین اثری که برگزاری مجالس عزاداری به دنبال دارد، این است که جامعه انسانی که در پی مشکلات خویش از معنویت و صفای باطن دور گشته است، لااقل برای مدتی حال و هوای دیگری بیابد و شیعیان در مدتی از زمان در جوی از معنویت و صفا قرار می گیرند و سبب زنده سازی و احیای دل و تقویت ترس و امید به رحمت الهی می گردد تا در پی آن جامعه به سوی اصلاح و سازندگی معنوی و مادی ناب به پیش رود.

بنابراین آنان که به درستی و با خلوص نیت به عزاداری می پردازند، پس از گذشت و تکرار این معنویات، شخصیتی خدایی پیدا می کنند و بینش و معنویت آنان رشدی غیر قابل انکار، پیدا خواهد کرد.

بانوان در مورد پاسخ به نیازهای معنوی خود به برگزاری این مراسمات می پردازند اگر در طی حضور در جلسات به سوالات و نیازهای آنها پاسخ درست داده شود در نتیجه به معنویات والا و در مسیر اهداف ائمه دست می یابند. اما اگر در این بین افراد سودجو اهداف ناپسند و مغرضانه خود را پیش برند و آنها را در مسیر اشتباه عرفانهای نوظهور و حتی ادیان دیگر قرار دهند، آنگاه بانوان و بیشتر اقشار جوان مجالس در مسیر اشتباهی قرار می گیرند چراکه آنها از تجربه و اطلاعات کافی در زمینه دین و زندگی ائمه برخوردار نیستند؛ و ضربه جبران ناپذیری به اعتقادات آنها می رسد و ممکن است از مسیر دین اسلام خارج شده و به ادیان دیگر روی آورند.

متأسفانه بعضی از هیئات مذهبی و مجالس عزاداری از این آفت ها دور نمانده و آسیب های جدی دیده اند و عده ای سودجو، از گرایش فطری نسل جوان به معنویت، و احساسات و عواطف زنان و دختران، سوء استفاده کرده و با طرح مطالب پوچ و بی اساس به نام عرفان، به لابلای گری پرداخته و جوانان پاک و بی آرایش جامعه را فریب داده اند؛ و به نام دعوت به خدا، به خود دعوت نموده و مرید پروری می کنند.

اگر مجالس مذهبی درست مدیریت نشوند، و عطش فطری جوانان عزیز، با عرفان حقیقی سیراب نگردد،

گرایش های انحرافی و عرفان های قلابی و معنویت های دروغین، توسط شیادان نقش آفرینی کرده و آسیب های غیر قابل جبرانی را متوجه جامعه خواهند نمود.

۷۰۱ سوادکم خانم جلسه ای

از آسیب های جدی که با کمال تأسف در هیئت ها و مجالس مذهبی بانوان رسوخ کرده است، وارد شدن بعضی از مداحان و مرثیه سرایان و ادیبان و شاعران و هنرمندان و مجریان هیئات در اموری است که در حوزه ی تخصصی مراجع و عالمان و اندیشمندان دینی می باشد و با بی اعتنائی به نظر علمای دین به راحتی اظهار نظر می کنند.

همخوانی و همراهی آنان با عالمان و اندیشمندان دینی تا جایی است که با در نظر گرفتن سلیقه هایشان سازگار باشد و این آفت در بعضی از مجالس مذهبی به حدی غلیظ شده است که عالمان دینی در حاشیه قرار گرفته اند و غیرمتخصصین به صرف داشتن یک صوت زیبا و یا بیان شیرین و یا ادبیات جذاب، حد خود را نشناخته اند؛ و بدون داشتن تخصص، به تحلیل و تبیین و اظهار نظر نسبت به مسائل دینی می پردازند.

آنها بر کرسی حساس و دقیق و ظریف و عظم و موعظه تکیه زده و دستورالعمل هایی را صادر می کنند؛ و چون بهره ی علمی و معرفتی کافی را نبرده اند و تخصص لازم را در حوزه ی دین کسب نکرده اند، ای بسا مستمعین و مریدان خود را به افراطها و تفریطها کشانده و خسارات دنیوی و اخروی و معنوی غیرقابل جبرانی را متوجه آنان و جامعه می کنند.

این گونه روش با فطرت و روح دین و تعالیم اولیای عظیم الشان آن «صلوات الله علیهم» ناسازگار می باشد؛ لذا نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- فرمودند: «من اخذ العلم من اهله و عمل به نجی، هر کس علم را از اهلس فرا بگیرد و به آن عمل کند نجات یافته است.»^۱

۱- کفای؛ ج ۱ ص ۳۹

و همچنین حضرت امام علی -علیه السلام- فرمودند: «بدانید که همنشینی با عالم و پیروی کردن از او یکی

از آیین های دین است و اطاعت از عالم، سبب رسیدن به حسنات و زدوده شدن سیئات است و خود ذخیره

ای است برای مؤمنان و مایه ی برتری زندگی آنان است»^۱.

درسرخ امام علی -علیه السلام- کاملاً مشخص است که توصیه ایشان به همنشینی با عالمان است و به پای خطبه

و موعظه آنا نشستن می باشد، لذا از کسی که عالم نیست و بدتر خود را به صورت عالمی نزد مردم نمایان می

کند، نباید پیروی کرد و موعظه ای گوش فراداد.

در جلسات مذهبی بانوان چه خوب است که از این مداحان عزیز با صدای مناسب و علم مداحی، روضه، و نحوه

خوانی استفاده کرد، اما به شرط اینکه مداحان در کنار عاطفه زیبایی که نسبت به ائمه دارند، عنصر معرفت

، شناخت، علم و سواد لازم درباره وقایع اهداف زندگانی ائمه رانیز داشته باشند.

در سفارش های ائمه بزرگوارمان شناخت و معرفت جایگاه ویژه ای دارد، معرفت و شناخت مقام و منزلت و

موقعیت آنان است و هر چه معرفت بیشتر باشد، زمینه ی اطاعت و تسلیم در برابر اوامر و نواهی آن انوار الهی

بیشتر خواهد بود و با کمال تأسف، از آسیب ها و آفاتی که کم و بیش در مجالس مذهبی مشاهده می گردد، حذف

یا تضعیف عنصر معرفت و شناخت و آگاهی است که در درازمدت می تواند آثار مخرب و غیرقابل جبرانی را به

دنیا داشته باشد.

باید در عزاداری هادر کنار توجه به بُعد عاطفی مصائب اهل بیت خصوصاً حضرت سیدالشهداء «علیهم السلام»

روز به روز بر محتوا و غنای مجالسمان بیفزاییم که اگر این دو در کنار هم باشند فرد و جامعه و مکتب را از

تمامی آسیب های فکری و معنوی و تهاجمات فره نگی و نظامی حفظ خواهند کرد و جامعه و فرد را از درون و

برون متحوّل ساخته و به سعادت دنیا و آخرت می رسانند؛

۱- بحار الانوار؛ ج ۱ ص ۱۷۵.

واگر بعد عاطفی حذف شود باز هم مشکل فراوانی ایجاد می کند و مجالس فقط سخنرانی می شود. در کنار سخنرانی ها این عواطف است که جایگاه معرفت را توسط قلب آدمی در روح، خرد و مغز او محکم می کند و تاثیر بیشتری خواهد داشت.

همانطور که شهید مطهری - رحمه الله علیه - می فرماید:

هر مکتبی اگر چاشنی ای از عاطفه نداشته باشد و صرفاً مکتب و فلسفه و فکر باشد، آنقدرها در روح ها نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد . ولی اگر یک مکتب، چاشنی ای از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن حرارت می دهد. معنا و فلسفه ی یک مکتب، آن مکتب را روشن می کند؛ به آن مکتب منطق می دهد؛ آن مکتب را منطقی می کند. بدون شک مکتب امام حسین «علیه السلام» منطق و فلسفه دارد؛ درس است و باید آموخت . اما اگر ما دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو بکنیم، حرارت و جوشش گرفته می شود و اساساً کهنه می گردد!

از یک سو می توان با معرفت، با ابعاد مختلف مکتب تشیع آشنا شد و از سوی دیگر می توان آگاهانه از طریق عاطفه با حضرات معصومین - علیهم السلام - رابطه ای عمیق برقرار نمود.

^۱ - مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدرا، ششم، ۱۳۶۸، ص ۵۸-۵۹.

از آسیب‌هایی که در مجالس بانوان دیده می‌شود، روضه‌ها و مرثیه‌ها و اشعاری است که در قالب زبان حال بیان می‌گردد؛ این آسیب شاید به جرات گفته شود که، در بسیاری از مجالس وجود داشته باشد؛ مداحان برای به‌گریه درآوردن بانوان از هروسيله ای استفاده می‌کنند و ماجرای شهادت ائمه علیهم السلام - را با زبانی که هم زبان خود مداح است و به دور از شان ائمه علیهم السلام - می‌باشد بیان می‌کنند.

زبان حال آنها هیچ تناسبی با محیط فرهنگی و تربیتی و روحیات و شخصیت مقام حضرات معصومین - علیهم السلام - و اصحاب فداکارشان ندارد و در حقیقت باید گفت گوینده و سراینده، مطالبی که ارائه می‌دهد با فضای تربیتی و روحی و خانوادگی و اجتماعی خودش سازگار بوده و در مقام توصیف حال خود می‌باشد و زبان حال خود را می‌کند نه زبان حال آن بزرگواران را؛ به عنوان مثال، درباره حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - گفته شود که «شدم راضی که زینب خوار گردد» آیا نشان ذلت و خواری و زبونی و وهن مقام امام نمی‌باشد.

زبان حالی پذیرفتنی است که حقیقتاً زبان حال باشد و آن در صورتی است که با شرایط و ویژگی‌ها و محیط آن واقعه‌ی تاریخی و عظمت شخصیت و علو مقام آن بزرگواران تنا سب داشته باشد و مستمع را از اهداف و ساحت قدس آنان دور نکند.

فصل دوم: آسیب های اخلاقی

۲- آسیب های اخلاقی

فضایل اخلاقی به مجموع ملکات و صفات راسخ نفسانی اطلاق می شود که منشأ صدور افعال متناسب با آن می شود و در مقابل رذایل اخلاقی قرار دارد. انسان همواره در جهت مزین شدن به فضایل اخلاقی و داشتن ارزش اخلاقی می باشد؛ تا در جهت کسب فضایل و معرفت یابی نسبت به آنها گام بردارد، به همین دلیل در جامعه و گروه های مختص جنس خود حضور می یابد.

مسأله اخلاق در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم-صلی الله علیه وآله- و همچنین از سایر پیشوایان معصوم -علیهم السلام- رسیده است با اهمیّت فوق العاده ای تعقیب شده، که به عنوان نمونه در حدیث معروفی از پیامبر اکرم-صلی الله علیه وآله- می خوانیم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ مِنْ تَنْهَا بَرَأَى تَكْمِيلَ فَضَائِلِ اخْلَاقِي مَبْعُوثٌ شَدِيدٌ»^۱

در حدیث دیگری از رسول خدا-صلی الله علیه وآله- آمده است که فرمود:

«جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلََّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ فَحَسَبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ؛ خَدَاوَنَد سَبْحَانَ فَضَائِلِ اخْلَاقِي رَا وَسِيلَهُ اِرْتِبَاطِ مِيَانِ خُودِش وَ بِنَدگَانَشِ قَرَارِ دَادِه، هَمِيْنِ بَسِ كِه هَر يَكِ اَز شَمَا دَسْتِ بِه اخْلَاقِي بَزَنَد كِه اُو رَا بِه خُودِ مَرْبُوطِ سَاَزَد.»^۲

بنابراین، هر فضیلت اخلاقی رابطه ای میان انسان و خدا ایجاد می کند و او را گام به گام به ذات مقدّسش نزدیکتر می سازد.

^۱ کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين على بن عبد الملك ابن قاضي خان قادري شانلي هندي ، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۳۸۲. حديث ۵۲۱۷۵، جلد ۳، صفحه ۱۶.
^۲ تنبيه الخواطر و نزهة النوادر ، مجموعه ورام ، ابی الحسین ورام بن ابی فراس المالکی الاشنري، تهران، مرکز فرهنگي انتشاراتي رايحه، ۱۳۸۲. تنبيه الخواطر، صفحه ۳۶۲.

زندگی پیشوایان دینی نیز سرتاسر بیانگر همین مسأله است که آنها در همه جا به فضائل اخلاقی دعوت می کردند، و خود الگوی زنده و اسوه حسنه ای در این راه بودند. لذا حضور انسان در مجالس منتسب به این بزرگواران برای مزین شدن به فضایل اخلاقی می باشد.

بانوان با شرکت در این جلسات فقط به سوگواری یا شادی کردن نباید برسند بلکه به معرفت والایی باید دست یابند که از طریق آن خود را از ذایل پاک کرده و به فضایل اخلاقی دست یابند.

تمامی مسائل اخلاقی آثار گرانبهایی را در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد، اعم از مادی و معنوی، و جامعه انسانیت منهای اخلاق به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها قفسها می تواند جلو فعالیت های تخریبی این حیوانات انسان نما را بگیرد، نیروها به هدر خواهد رفت، استعدادها سرکوب خواهد شد، امنیت و آزادی بازیچه دست هوسبازان می گردد و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می دهد.

بی شک وضع محیط اجتماعی زندگی انسان اثر فوق العاده ای در روحيات و اعمال او دارد چرا که انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می کند. محیط های پاک غالباً افراد پاک و محیط های آلوده غالباً افراد آلوده را پرورش می دهد.

اینگونه مجالس هم میتواند در شکل گیری شخصیت اخلاقی فرد تاثیر بسزایی بگذارد، چه بسا که نکته های اخلاقی -خوب یابد- را از افراد داخل جلسه از مداح و یا موعظه گو و سخنران یاد بگیرد و در ذهن او نهادینه شود.

اخلاق فضیله یارذیله گاهی در اعمال صاحب جلسات، مداح، سخنران و شرکت کننده ها کاملاً مشهود است. اگر اخلاق رذیله در وجود هریک از اینها دیده شود فرد شرکت کننده از حضور در جلسات امتناع می کند.

از رذایل اخلاقی در این جلسات پیش آمده باید آسیب شناسی کرد تا مورد شناسایی باشد و از تکرار آن جلوگیری شود.

از جمله این رذایل اخلاقی می توان به مواردی چند اشاره کرد: ریاکاری، غیبت، در نظر نگرفتن حق شوهر برزن، مدگرایی و حجاب نامناسب.

الف - ریا کاری

نقطه مقابل اخلاص «ریا» است، که در آیات و روایات اسلامی از آن مذمت شده است و آن را عاملی برای بطلان اعمال و نشانه ای از نشانه های منافقان و نوعی شرک به خدا معرفی کرده اند.

ریاکاری تخریب کننده فضائل اخلاقی و عاملی برای پاشیدن بذر رذائل در روح و جان انسانهاست. ریاکاری اعمال را تو خالی و انسان را از پرداختن به محتوا و حقیقت عمل باز می دارد.

انسان ریاکار در پی خوب جلوه دادن خود و خودنمایی در این مجالس می باشد، از هر روشی برای نمایشی ساختگی استفاده میکند. هیچگاه نمی تواند ارادت خالصانه خود را به ائمه نشان دهد. و این کاملاً در اعمال او پیداست و به هیچ عنوان رنگ و بوی الهی ندارد.

خداوند درباره ریاکاران در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى

يُرَآؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می خواهند خدا را فریب دهند

در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز بر می خیزند با

کسالت بر می خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند.^۱

این نکته قابل توجه است که نفاق نوعی دوگانگی ظاهر و باطن است و ریاکاری نیز شکل دیگری از دوگانگی ظاهر و باطن می باشد چرا که ظاهر عمل الهی و باطن آن شیطانی و ریائی است و به خاطر جلب توجه مردم! بنابراین، طبیعی است که ریا جزء برنامه منافقان باشد.

گناه ریا به قدری عظیم است که چیزی با آن برابری نمی کند و این به خاطر آثار بسیار بدی است که ریا در فرد و جامعه و در جسم و روح انسان ایجاد می کند.

از امامان معصوم -علیهم السلام- احادیث تکانهنده ای در این باره دیده می شود، از جمله در حدیثی از امام صادق -علیه السلام- می خوانیم که از جدبزرگوارشان نقل می کنند:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَخُبُّ فِيهِ سَرَائِرَهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عُلَانِيَتَهُمْ، طَمَعاً
فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ مَا بِهِ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً، لَا يَخَالِطُهُمْ خَوْفٌ يَعْصِمُهُمُ
اللَّهُ بِعِقَابِ قَيْدِ عَوْنِهِ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ؛ زمانی بر مردم فرا می رسد
که باطن آنها آلوده و ظاهرشان زیبا است، و این به خاطر طمع در دنیا
می باشد، هرگز آنچه را نزد پروردگارشان است اراده نمی کنند، دین آنها ریا
است، و خوف خدا در قلبشان نیست، خداوند مجازاتی فراگیر بر آنها
می فرستد و آنها همچون فرد غریق او را می خوانند ولی دعای آنان را اجابت
نمی کند.^۲

^۱ سوره نساء، آیه ۱۴۲.
^۲ کافی، جلد ۲، صفحه ۲۹۶.

ب - غیبت

اگر انسان پیش از آن که شروع به سخن گفتن کند در محتوا و انگیزه و نتیجه سخنان خود کمی بیندیشد، بسیاری از لغزشهای زبان و گناهان، از او دور می شود. بی مطالعه سخن گفتن انسان را در انواع گناهان غوطه ور می سازد.

و در تعبیری از امام حسن عسکری - علیه السلام - چنین می خوانیم: «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَ فَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ؛ قلب نادان در دهان اوست، و دهان دانا در دل او.»^۱

بدیهی است مراد از قلب در این جا همان عقل و فکر است، و بودن زبان در جلو قلب، یا در عقب آن، کنایه از تفکر و اندیشه درباره محتوای سخن یا عدم آن است.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی - علیه السلام - جامع همه مباحث بالا آمده است: «إِنَّ أَحَبَّتَ سَلَامَةَ نَفْسِكَ وَسَتْراً مَعَايِبِكَ فَأَقِلِّ كَلَامَكَ وَأَكْثِرْ صَمْتَكَ، يَتَوَقَّرُ فِكْرُكَ وَ يَسْتَنْرِ قَلْبُكَ؛ اگر دوست داری از سلامت نفس برخوردار شوی و عیوب و کاستیهای پوشیده بماند، کمتر سخن بگویی و بیشتر خاموش باش تا فکرت قوی، و قلبت نورانی گردد.»^۲

هر یک از انحرافات و گناهان زبان م‌انند: غیبت و تهمت و دروغ و سخن چینی و نشر اکاذیب و اشاعه فحشاء و غیر آن در مجالس بانوان دیده می شود، بانوان محترم به دید دلسوزی یا ارائه راهکار به این مسائل می نگرند. اما اینها از رذایل اخلاقی زبان هستند که انسان را به اعماق تاریکی ها برده و روح معنویت آنها را آلوده می کنند. و در این جلسات هیچ ثواب و معرفتی برای آنها کسب نمی شود.

^۱ بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۷۴.
^۲ غرر الحکم، صفحه ۲۱۶، شماره ۴۲۵۲.

خداوند در قرآن کریم درباره آن می فرماید: «... وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ

مِثْلَ فِكْرِهِمْوَه؛... و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده

خود را بخورد؟ به یقین همه شما از این امر کراهت دارید»^۱.

در این آیه، قرآن با صراحت از سه چیز نهی می کند که در واقع علت و معلول یکدیگرند. نخست از گمان بد، و بعد از تجسس، و سرانجام از غیبت. روشن است گمان بد انسان را وادار به تجسس در احوال دیگران، و کشف اسرار آنها می کند و از آنجا که هر انسانی ممکن است عیب و نقصی داشته باشد که با تجسس کشف شود، اطلاع بر آن عیب پنهانی سبب غیبت می گردد. ولی قرآن مجید در این آیه برای غیبت اهمیتی بیش از مسأله گمان بد و تجسس قائل شده است.

غیبت از گناهایی است که عوامل بی شماری دارد، که هر کدام به تنهایی می تواند سرچشمه غیبت شود، از جمله: حسد، خودخواهی و خود برتری بینی، غرور و نخوت، انحصار طلبی، کینه توزی، جاه طلبی، دنیا پرستی و علاقه به مال و مقام، ریاکاری، تزکیه نفس و اظهار پاکی و تقوا، ایجاد سرگرمی ناسالم، سوء ظن، انتقام جویی، تشفی قلب و فرونشاندن غضب، سخریه و استهزاء و امور دیگری از این قبیل.

در مجالس مذهبی صاحب مجلس باید عوامل غیبت گویی را در حد امکان خود، از آن جلسه حذف کند تا بانوان مرتکب این گناه عظیم نشوند و از آن جلسه معنویت خالصی کسب کنند.

اگر غیبت دست کم گرفته شود آثار مخرب زیادی در جامعه انسانی و نهادهای آن از جمله همین مجالس مذهبی، دارد که خطر آن بیشتر خواهد بود، اضافه بر این، آثار سوئی از نظر روحانی و معنوی و عقوبت های الهی نیز دارد.

^۱ حجرات، ۱۲.

غیبت مهمترین سرمایه جامعه یعنی -سرمایه اعتماد- را از بین می برد، زیرا غالب اشخاص دارای نقاط ضعفی هستند که سعی در کتمان آن دارند اگر آنها پوشیده بمانند، اعتماد مردم نسبت به یکدیگر باقی و برقرار خواهد بود. ولی کشف آنها بی اعتمادی عجیبی ایجاد می کند، و می دانیم اساس حضور فعال همه اقشار در نهادها و مجالس جمعی و اجتماعی از جمله همین جلسات مذهبی، اعتماد متقابل افراد جامعه نسبت به یکدیگر است، و بدون آن جامعه به جهنم سوزانی تبدیل می شود که مشکلات پایدار است ولی منافع آن از بین خواهد رفت.

غیبت سرچشمه سوء ظن نسبت به همگان است، زیرا هنگامی که عیوب مخفی جمعی از افراد از طریق غیبت آشکار گردد، انسان نسبت به همه پاکان و نیکان هم بدبین می شود، و در نزد خود می نگرد که آنها نیز در بیرون این مکان جمعی به آن اعمال زشت مبتلا هستند و آن کارها را انجام می دهند.

ممکن است این سوء ظن را نسبت به سخنران، مداح، صاحب مجلس و حتی شرکت کننده ها و داشته باشد به همین دلیل گمان می برد که تمامی حرفهای آنها دروغ است و حضور در این جلسات بی فایده است به همین دلیل از آن پس در هیچ مجلسی شرکت نخواهد کرد.

و حتی ممکن است دیگران نیز تشویق به آن گناه شوند، و اصولاً ابهت گناه از بین می رود، و عذر و بهانه ای برای آلودگان می شود که اگر ما چنین می کنیم فلان کس که از ما بهتر و آگاهتر است نیز مرتکب این عمل می شود.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که فرمودند:

«مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَارَأْتُهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ :

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ؛ کسی که

درباره مؤمنی آنچه را چشمش (از بدی ها) می بیند، و گوشش می شنود و

بگوید، او از کسانی است که خداوند متعال در حق آنان فرموده : کسانی که

دوست دارند، کارهای زشت در میان مؤمنان شایع شود، عذاب دردناکی

دارند»^۱.

البته غیبت سبب ایجاد مشکلات و گناهان دیگری هم می شود، از جمله کینه و عداوت و بغض، غیبت کننده را از چشم مردم می اندازد.

غیبت آثار معنوی نیز دارد. فرد غیبت کننده حسنات خود را نابود می کند، دین خود را از بین می برد اگر هم بخشیده شود آخرین کسی است که وارد بهشت می شود، سبب رسوایی و قبول نشدن اعمال می شود؛ حال کسی که برای کسب معنویات در این جلسات حضور می یابد و طلب مغفرت و آمرزش دارد تا روحش پاک و خالص شود با عمل غیبت چگونه به موفقیت دست می یابد.

ج - در نظر گرفتن حق شوهر بر زن

قسمت عمده ای از استحکام پایه های زندگی، در گرو رعایت حق شوهر از جانب زن و بالعکس است. زن و شوهر باید حقوق همدیگر را رعایت کنند و امر ناپسندی مشتمل بر نادیده گرفتن همسر را انجام ندهند. اینگونه پایه های زندگی مستحکم و جامعه از بی بندباری دور می شود.

زنان جامعه با تربیت فرزندان صالح و همراهی همسران موفق به پیشبرد جامعه اسلامی کمک می کنند اگر در این راه مهم خطا و لغزشی داشته باشند فرزندان و همسرانشان به تباهی و گمراهی کشیده می شوند.

یکی از این حقوق اجازه گرفتن زن از همسرش می باشد، زن برای حضور در هر مکانی در جامعه باید از همسر

خود اجازه بگیرد، و مرد نیز بنابه مصلحت همسر و خانواده خود میتواند اجازه خروج همسرش را بدهد یا نه از این کار اجتناب کند.

^۱ اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۵۷.

متأسفانه این واقعیت بسیار سودمند، یعنی وجوب اطاعت زن از شوهر در بیرون رفتن از خانه از جانب بسیاری از زنان، که از حیثیت الهی زن بودن خود دست برداشته اند، و برای خود نسبت به شوهرشان مردی قائلند تعطیل شده است. اگر بیرون رفتن زن از خانه به طور آزاد و دلخواه مصلحت بود، خداوند مهربان، آن را درگرو اجازه شوهر قرار نمی داد.

در برخی از جلسات بانوانی حضور می یابند که هیچ گونه اجازه ای از همسر خود برای حضور ندارند، و گاهی نیز بدون اطلاع همسر به جلسات می آیند. این یک آسیب بزرگی است که به خانواده وارد می شود؛ کم کم حدود مرز خانواده از بین می رود، گاهی بانوان برای حضور در جلسات از فرزندان خود نیز غافل می شوند، فرزند دختر و پسر خود را در جامعه بدون سرپناهی رهامی کنند.

حضور بانوان در این جلسات اگر با رعایت تمام ضوابط اخلاقی باشد بسیار سودمند واقع می شود. حضور بانوان در جلسات مذهبی مفید می تواند برای تربیت صحیح فرزندان همسر داری نیکو نیز کاربرد موثری داشته باشد.

از امام باقر - علیه السلام - آمده است که فرمودند: **زنی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمودند:**

تطیعه و لا تعصیه، و لا تصدق من بیتها شیئاً الا باذنه، و لا تصوم تطوعاً الا باذنه، و لا تمنعه نفسها و ان كانت علی ظهر قفت، و لا تخرج من بیتها الا باذنه، فان خرجت بغير اذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الارض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمه حتی ترجع الی بیتها. زن باید که فرمانبردار شوهر باشد و از او نافرمانی نکند، از متاع خانه چیزی بدون اجازه شوهر صدقه ندهد، روزه مستحبی نگیرد مگر به اذن شوهر، او را از خود منع نکند اگر چه بر جهاز شتر باشد، و بدون اذن شوهر از خانه بیرون نرود، که اگر بدون اذن او

بیرون رود فرشتگان زمین و آسمان و فرشتگان رحمت و عذاب او را لعنت

کنند تا به خانه‌اش باز گردد.^۱

همانطور که در روایت امام - علیهم السلام - آمده است زن حتی برای نذورات خود نیز باید از همسرش اجازه بگیرد. و از آنچه شوهر در خانه برای او آماده کرده است چیزی را بدون اجازه اش به صدقه اختصاص ندهد.

یکی از عیوب جلسات بانوان، ادای برخی از نذورات بدون اجازه همسر است که هر چند به ندرت چنین جلساتی برگزار می‌شود، اما در برخی موارد که پذیرایی‌ها با صرف هزینه‌هایی همراه می‌شود، که فشار اقتصادی بر خانواده وارد می‌کند و با رضایت کامل همسر همراه نیست.

حضور طولانی مدت زنان در این مجالس و غفلت از وظایف زناشویی، صرف هزینه‌های هنگفت، اتلاف وقت و نبود برنامه‌ریزی صحیح، نداشتن استراتژی واحد و تأثیرات کوتاه مدت و هیجانی، خودجوش بودن مراسم عزاداری بانوان از آسیب‌های موجود در این مراسم است، که بنیان خانواده را سست می‌کند.

د - مدگرایی و حجاب نامناسب

مد اگر به معنای شیوه متداول زمان در شئون زندگی اجتماعی و طرز زندگی و پوشش باشد، امری پسندیده و ارزشی است. اما مدگرایی به معنای روش افراطی، یک ضد ارزش بشمار می‌رود.

امیرمومنان علی - علیهم السلام - می‌فرماید: «باید فرزند زمان خود باشیم».^۲ انسان باید مطابق زمان و روزگار خود زندگی کند. و در حد میانه روی و اعتدال این پیروی از زمانه را داشته باشد.

^۱ من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق، محمدجواد غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۷۶.

^۲ غرر الحکم و درر الکلم، ح ۴۴۷.

امان‌باید آن رابه سمت افراط یا تفریط بکشاند. مردم باید دارای فرهنگ زمانه خودشان باشند و مدگرایی به این معنا اصولاً از لوازم زندگی و ضرورت های آن است. انسان‌ها خواسته و ناخواسته براساس مد و فرهنگ زمانه عمل می‌کنند. چراکه این اقتضای زمان زندگی کردن است.

در دوران زندگی امروز، جریانات و تحولات فراوانی وجود دارد و انسان برای زندگی در جامعه امروزی و بهره‌گیری مناسب از آن مجبور به اطاعت برخی از این مدها است. به طور مثال ارتباطات نمونه بارزی است که هرروزه دچار تغییر است و به نوعی مد حساب می‌شود، انسان برای برقراری ارتباط خود با افراد مختلف، کسب و کار نیازمند به توجه و پیروی از این مد می‌باشد. اگر کسی بخواهد با این جریان مخالفت و یا عقب‌نشینی کند در حقیقت به خود ضربه زده است.

گاهی مدگرایی به طور واضح در مجالس مذهبی بانوان مشاهده می‌شود، آنها برای فخرفروشی و چشم و هم‌چشمی با بانوان دیگر به پیروی از مد خود را می‌آرایند؛ غافل از اینکه در شاید در مجلس فاطمه زهرا-سلام الله علیه- شرکت می‌کنند، و فاطمه اطهر حتی لباس عروسی خود را بخشش کردند، چگونه از زندگی پربرکت ایشان درس نمی‌آموزند. از مهم‌ترین علت مدگرایی، فطرت و ذات انسان‌ها است و آن هم حس کمال‌جویی و زیبا دوستی آن‌ها می‌باشد ولیکن صورت‌های افراطی آن یعنی مد پرستی نتیجه جهل و ناآگاهی و ضعف ارزش‌های معنوی و تبلیغات وسیع نظام‌های سرمایه‌داری و سودجو به وجود می‌آید. تبلیغات فریبنده کشورهای غربی جهت تضعیف نظام اعتقادی و ارزش‌های سایر جوامع بخصوص جوامع اسلامی، همانند سازی، رقابت و چشم و هم‌چشمی با دیگران، مدگرایی ناشی از دوستی، جلب توجه دیگران از دیگر علت‌های گرایش به مد می‌باشد؛ تاجاییکه حتی این مدگرایی به مجالس ائمه‌علیهم‌السلام- وارد شده است.

در جلسات تشکیل شده بانوان، بسیاری از زیورآلات و لباس هایی استفاده می شود که هیچ تناسبی بامجلس ندارند. حضور بانوان در این جلسات برای نزدیکی آنها بادین و درک واقعی آن است. اینکه بانوان هرآنچه مربوط به قشر خود در دین است، رافراگیرند و در زندگی فردی و حتی اجتماعیشان آن را به کارگیرند.

برخی از بانوان به بهانه اینکه جلسات مختلط نیست و هیچ گونه فیلم برداری یا عکاسی از جلسات نمی شود؛ حجاب کاملی ندارند و لباس ها و زیورآلاتی استفاده می کنند که هیچ شانیتی با جلسات ندارد و باعث حواس پرتی، غیبت، تهمت و فخر فروشی می شود و از خلوص نیت مجلس و جمع می کاهند.

باید توجه کنیم که داشتن پوشش کامل، ساده، پاکیزه و ظاهر در جلسات متناسب به ائمه، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز پوشش و برهنه نشدن در هیئت هاهمین ادب حضور رادریش دارد.

پیامبر-صلی الله علیه و آله- نیز در رابطه با فخر فروشی می فرمایند: «من لبس ثوباً یباهی به، لیراه الناس لم ینظر الله

الیه حتی ینزعه؛ هر فردی که برای مباحات و فخر فروشی و به خاطر خودنمایی لباس بپوشد، خداوند تا

زمانیکه آن لباس را پوشیده است به او نگاه نمی کند . «در صورتی که بانوان به منظور نزدیک شدن

بیشتر با خداوند به جلسات می روند، و قصد کسب معنویت بیشتری دارند.

^۱ کنز العمال، ۴۱۱۴۳.

فصل سوم: آسیب های اجتماعی

۳- آسیب های اجتماعی

گرچه در دین مبین اسلام، تشکیل جلسات دینی- مذهبی برای ائمه مورد سفارش بسیاری قرار گرفته است، اما هیچکس حق ندارد که به بهانه این امر مهم، اصول اجتماعی را زیر پا نهاده و هر امر خلاف شرع و خلاف عرفی را به نام دین انجام دهد.

آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود.

در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار اجتماعی وجود دارد؛ معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای ملأ، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملأ عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار مهم تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می شود.

بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی افراد به آموزه های دینی باشد.

شرکت در این جلسات از عوامل مهم کاهش آسیب اجتماعی است، امامتاسفانه افراد شرکت کننده در مجالس

بادر نظر نگرفتن توصیه دین و مکتب اسلام و آئمه -علیهم السلام- می توانند ضربه های مهلکی را به جامعه

بزنند. و آسیب های برادر جامعه به وجود آورند. از جمله این آسیب ها تجمل گرایی،

الف - تجمل گرایی

تجمل گرایی، اسراف، تبذیر، چشم و هم چشمی ها و بالاخره بی توجهی به قناعت، اگر آن را جزء یک بیماری

روحی و روانی ندانیم، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که از یک سو معنویت را در افراد می خشکاند و از

سوی دیگر، می تواند به یک معضل برای جامعه تبدیل شود، خصوصاً زمانی که به عنوان یک فرهنگ معقول و

یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار بگیرد.

اسراف به معنای تجاوز از حد و زیاده روی کردن است و آن یا از جهت کیفیت است که صرف کردن مال است

در موردی که سزاوار نیست ... و یا از جهت کمیت است و آن صرف کردن مال است در موردی که سزاوار است

لیکن بیشتر از آنچه شایسته است و بعضی صرف مال را در موردی که سزاوار نیست، «تبذیر» گفته اند و صرف

مال را در زیادتر از آنچه سزاوار است، اسراف دانسته اند...^۱

به هر حال کلماتی چون اسراف، تبذیر، تجمل، چشم و هم چشمی در یک باب و تعریف قرار می گیرند، و آنها مقابل

قناعت و جزء گناهان کبیره محسوب می شوند.

^۱ گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب شیرازی، جهان، تهران، بی تا، ششم، ۱۳۷۲. ج ۲، ص ۱۰۳.

خداوند در قرآن کریم به میانه روی توصیه کرده است و می فرمایند:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ

الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ؛ پروردگارم به میانه روی (در همه امور و به اجتناب از

افراط و تفریط) فرمان داده و (امر فرموده): در هر مسجدی (به هنگام

عبادت) روی (دل) خود را (آن گونه) متوجه خدا کنید (که از هر چیزی غیر او

مُنقطع شود)، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه

شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، (پس از مرگ به

او) بازمی گردید.^۱

به ظاهر این مجالس برای تعلم خاطر در سوگ شهادت و شادی ولادت ائمه -علیهم السلام- برگزار می شود، اما

گاهی تشریفات در نحوه پذیرایی و یا نوع پوشش، هماهنگی با روح مسائل دینی ما ندارد.

بانوان در این جلسات به جای یادگیری زندگی فاطمی یقیناً چیزهایی رافرامی گیرند که پایه و اساس زندگیشان

و جامعه راروبه خرابی و تزلزل می کشانند. اسرافها با حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و فرهنگ فاطمی سازش

ندارد، به همین دلیل باید در این گونه مجالس ساده زیستی اولویت رفتار قرار گیرد.

به طور مثال وقتی در مجلس بانوان منتسب به امام حسن مجتبی -علیهم السلام- این همه وقت و هزینه برای سفره

های نظری با این همه تشریفات و تجملات گذاشته می شود یقیناً از آن پیام واقعی و خوی حسنی و از آن منش

امام حسن مجتبی -علیهم السلام- که در برخورد و هم نشینی با مردم داشته دور می شوند. کریمه اهل بیت -علیهم

السلام- توصیه به بخشش و انفاق داشته و در زندگی خود از هر تجملی دور بوده اند. البته همه ائمه -علیهم السلام-

^۱ اعراف/۲۹.

اینچنین زندگی داشته اند؛ لذا در مراسم ائمه - علیهم السلام - نباید از تجملاتی وجود داشته باشد که مخالف زندگی و توصیه های ایشان باشد.

ب - بی توجهی یا کم توجهی به حقوق مردم

یکی از بزرگترین نعمت ها برای بشر، داشتن آزادی در نحوه فعالیت هاست؛ اسلام با تاسیس «اصل نظارت

عمومی» و با گماردن ماموران نظارت، آزادی بشر را در انظار عمومی به طرز صحیحی به قوانین عقل و شرع محدود نموده و آزادی در اجتماع را در چارچوب قوانین متین اسلام محدود و معین کرده است. و بشر، در اجتماع

تا آنجا آزاد است که به سعادت خود و دیگران لطمه ای نزد و حرامی مرتکب نشود و واجبی را ترک نکند.

عدم رعایت حقوق همسایگان و بیماران و آزار و اذیت آنان از برکات هیئت های مذهبی می کاهد و به مجالس

عزاداری آسیب می رساند و اگر ضرورتی اقتضا کرد، بسیار پسندیده است که رضایت ساکنان اطراف جلب گردد.

امروزه خانه ها به صورت آپارتمان هست، با توجه به نزدیک بودن واحدهای مسکونی به هم انگونه مجالس شاید

باعث مزاحمت دیگران شود. چه خوب است با رضایت همسایگان این امر صورت پذیرد هم ثواب مجلس از بین نمی

رود و نیز این مسئله در فرهنگ جامعه پایه گذاری می شود. رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمودند: «جبرئیل

چندان درباره ی همسایه به من سفارش کرد که گمان کردم ارث می برد».^۱

رعایت حقوق همسایگان حتی اگر مجلس هیچ گونه مزاحمتی نداشته باشد باز هم باعث ایجاد نوعی فضای تبلیغ

می شود تا سفارشات اسلام و پیامبر انجام گیرد. چرا که پیامبر -صلی الله علیه و آله- فرمودند: «حرمت همسایه بر آدمی

همچون حرمت مادر است».^۲ و نیز فرمودند: «هر کس مؤمنی را آزار کند، مرا آزار کرده است».^۳

۱ - وسائل الشیعه، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین (شیخ حر) عاملی، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۳۶۷، ج ۶ ص ۳۲.

۲ - مکارم الاخلاق؛ رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل طبرسی، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳.

۳ - بحار الانوار؛ ج ۷۵ ص ۴.

مجالس بانوان از حیث ایجاد سروصدا به ندرت مزاحمتی ایجاد می کنند اما بعضی از مجالس شلوغ تر هستند در خانه های آپارتمانی تشکیل می شود، ممکن است بانوان شرکت کننده وسیله نقلیه همراه داشته باشند؛ یا هر مسئله دیگری که رخ دهد لذا داشتن رضایت همسایه بهترین امری است که میتواند از آسیبهای ایجاد شده جلوگیری کند.

ج - غفلت از مصالح جهان اسلام

در مجالس مذهبی بانوان به مسائل روز توجه خاصی نمی شود گاهی آقدر غفلت صورت می گیرد که ممکن است حتی دلیل تشکیل جلسه نیز بین نشود. پس از آسیب ها می که در بعضی از مجالس مذهبی دیده می شود غفلت و کم توجهی نسبت به مصالح کنونی جهان اسلام، خصوصا مذهب تشیع است. امروزه بیش از هر زمانی دشمنان اسلام و انقلاب در صددند تا بین شیعیان و اهل سنت اختلاف ایجاد نمایند و آنان را به تفرقه و رویارویی با یکدیگر بکشانند.

تفرقه و اختلاف موجب هدر رفتن نیروهای جامعه و امت اسلام می شود. لذا از هر گفتار و رفتار تفرقه آمیز و هر عملی که با مصالح اسلام و مسلمین سازگار نبوده و آسیاب دشمنان را تندتر می کند، باید پرهیز کرده و با وحدت و یکپارچگی، دشمنان را به انفعال واداشته و اهدافشان را یکی پس از دیگری خنثی نمود.

البته باید توجه داشت که مراد از وحدت بین شیعیان و اهل سنت، هرگز به معنای دست برداشتن از عقیده ای حق نمی باشد؛ بلکه مراد از وحدت، وحدت بر اساس اصول و عقاید مشترک و تکیه بر اشتراکات حق مورد قبول دو طرف و کوشش در راستای تقویت مشترکات و ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن مشترک می باشد.

امام خمینی - رحمه الله علیه - در وصیت نامه سیاسی - الهی خود درباره مصالح جهان اسلام و همچنین

بیدادگران و فریاد مظلومان می فرماید:

و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچ گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تلویخ الی الابد. و می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنه الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است.^۱

لذا امام خمینی - رحمه الله علیه - لزوم توجه کافی و مناسب نسبت به مصالح جهان اسلام بیان می کنند و این مسئله مهم را مربوط به ائمه و به خصوص زندگانی امام حسین - علیه سلام - و واقعه کربلا می دانند، پس رابطه بسیار نزدیکی مابین مسائل امروزی و گذشته ائمه - علیه سلام - وجود دارد، که می توان با نقل این مسائل مهم و حیاتی در مجالس مذهبی بانوان، آنها را آگاه کرد.

د - توهم موفقیت

موفقیت هنگامی به دست می آید که انسان اهداف مربوط به عمل مورد نظر را به طور کامل انجام دهد. اگر برای انجام عملی به مسائل دیگر توجه شود، آن عمل صحت خود را از دست می دهد. بعضی از افراد موفقیت عمل خود را در جوانب آن می دانند. امام علی - علیه السلام - درباره موفقیت انسانها در عبادات خود می فرماید: «طَاعَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَحُوزُهَا إِلَّا مَنْ بَدَلَ الْجِدِّ وَاسْتَفْرَغَ الْجَهْدَ، بِه طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که

^۱ وصیئنامه سیاسی - الهی، جماران، تهران، ۱۳۶۱.

تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد»^۱

اگر انسان نهایت تلاش خود را برای به ثمر رساندن توصیه های ائمه-علیه السلام- به کارگیرد می تواند در تمام زمینه های مذهبی یا غیر مذهبی به موفقیت کاملی دست یابد.

اما در نظر بعضی از گردانندگان هیئت های مذهبی، هیئتی موفق تر است که پرداختن به جنبه های ظاهری در آن بیشتر باشد، نظیر داشتن جمعیت زیاد ، تنوع غذا، تزیینات برتر؛ برخورداری از بهترین ابزار صوتی و آلات موسیقی و مداح برجسته و... می باشد.

در مجالس و هیئت هایی که چنین توهم موفقیتی حاکم است، بانیان و مستمعین عزادار، از مسیر و فلسفه و هدف اصلی عزاداری ها دور شده و بر طبل کمیّت محوری و بی توجهی یا کم توجهی به کیفیت نواخته می شود، تا جایی که چنین مجالسی که باید مطهر حاضرین از آلودگی های رفتاری و باطنی باشد خود به انواع آلودگی ها مبتلا شده و زمینه ی مبتلا شدن به گناهان و محرمات را نیز در دیگران فراهم می سازد.

^۱ غرالحکم، ۶۰۰۹.

بخش سوم: راهکارهای مفید

راهکارهای مفید

مجالس مذهبی بانوان مکانی برای برپایی عزاو ماتم و همچنین سرور و شادی ائمه - علیه السلام - می باشند. برپایی مراسم ماتم و سروردر سوگ خوبان و اولیاء خدا امری است که ریشه در قرآن و سیره نبوی -صلی الله علیه وآله- و سیره امامان -علیه السلام- دارد. این مراسمات مذهبی مصداق مودت اهل بیت -علیه السلام- است و مصداق فریاد مظلوم علیه ظالم است. آسیب های موجود در این مجالس مصیبتی عظیم برپیکره آن و حتی دین می باشد. همانطور که این مجالس انسان ساز هستند و دین رازنده نگه می دارند، اگر آسیب های آن اصلاح نشود، موجب نابودی انسان و دین می شود چراکه این مجالس، شعائر دین اسلام و محکم کننده آن است.

در این فصل به بررسی راهکارهایی مفید برای آسیب زدایی از مجالس می پردازیم.

الف - تبلیغ مناسب

تبلیغ، رساندن مجموعه اطلاعاتی به مخاطب به منظور اقناع و برانگیختن احساسات او به سود یا بر ضد یک موضوع است. تبلیغ به معنای تبلیغات دینی معادل دعوت است که معمولاً با اصطلاحاتی چون وعظ و خطابه هم مضمون است. از این عنوان در باب هایی نظیر اجتهاد و تقلید، طهارت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و تجارت سخن گفته شده است .

خدای حکیم، خلق را عبث و بیهوده نیافریده است؛ بلکه برای غایتی بزرگ و ارزشمند یعنی معرفت و بندگی خویش، خلق کرده است. تحقق این هدف عظیم در گرو رهایی بندگان از ظلمت نادانی و روشن شدن دل و جان آنان به نور علم و هدایت الهی است؛ چنان که در آیات و روایات متعدّد بر این مطلب تصریح شده است. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: -من از مسلمانانم-».^۱

لفظ آیه به طور کلی به صورت عام است یعنی خطاب به همه مردم می باشد اما به صورت خاص منظور با پیامبر - صلی الله علیه وآله - می باشد . اما چون هر فردی که به سوی خدا دعوت می کند معلوم نیست که غرضش درست باشد، لذا بدنبال آیه شرط مربوط به دعوت و تبلیغ آمده است، که عمل صالح می باشد، یعنی برای تبلیغ شرط هایی هم لازم است تا به هدف نهایی برسد . چون عمل نشانه نیکو بودن نیت صاحب آن است ولی عمل صالح و دعوت به سوی خدا التزامی به اعتقاد حق صاحبش ندارد، به همین دلیل شرط دیگری اضافه نمود و آن

^۱ فصلت، ۳۳.

این است که اعتقاد به اسلام داشته باشد، لذا اگر کسی اعتقاد به اسلام و عمل صالح داشت و آنگاه مردم را به

سوی خدا دعوت کرد، سخن او نیکوترین گفتار خواهد بود و تبلیغ او مناسب تر است.

شرط های دیگری هم در آیات قرآن آمده است از جمله : بصیرت و آگاهی کافی نسبت به هدف و محتوای

تبلیغ، ایمان به هدف ، خودساختگی ، اخلاص و عدم چشم داشت مادی، خوشرویی و سعه صدر ، امید به

وعده های الهی و امید بخشی ، علم دوستی و کمال جویی ، پشتکار و شجاعت و هراس نداشتن از کسی .

یکی از شیوه های تبلیغ ، در مجالس مذهبی بانوان می باشد که در این جلسات تبلیغ مناسب توسط مبلغی با بصیرت

می باشد، که در این صورت مبلغ می تواند بایادآوری نعمت های الهی، بیدار کردن وجدان مخاطب، توجه دادن به

تجربه های تاریخی و سرنوشت پیشینیان ، معرفی الگو و الگوسازی در زندگی ائمه - علیه السلام - به اهداف اصلی

جلسات یعنی امر به معروف و تبلیغ دین دست یابند.

بدون شک گسترش اسلام بیش از هر عاملی با فعالیت ها و فداکاری های مبلغان دینی پیوند داشقاست ، به ویژه

با توجه به این نکته که طبق فقه اسلامی، شرط مقدم جهاد، تبلیغ و دعوت است. قرار داشتن منبر در کنار محراب

مساجد، نیز به صورت نمادین، وظیفه تبلیغی مقامات دینی را گوشزد می کند . و همچنین وجود یک مبلغ دینی

در کنار مداح در مجالس مهم بودن همین مسئله رایادآوری می کند .

در دهه های اخیر، تحولاتی جدی در شکل سنتی تبلیغ و مفاهیم آن صورت گرفته و بررسی های علمی در این

باب، انجام شده است. در این راستا سازمان های تبلیغات شکل گرفته اند . در اینجامیزان آگاهی و اعتماد مردم

ضرورت دارد تا با اعتماد آنها نسبت به سازمان تبلیغات برای مجالس خود از این مراکز استعانت کنند و برای تشکیل

جلسات از این سازمان ها اطلاعات، مداح، سخنران و مبلغ حرفه ای درخواست کنند.

اما مسئله لازم در اینجا بررسی کامل جلسات و مداحان می باشد، و نظارت بیشتری در این مسئله طلب می شود چراکه این مسئله کوچک و قابل گذشتی نیست بلکه فهم دین برای برخی از مردم در این جلسات شکل می گیرد و پایه و اساس کشور اسلامی از دین اسلام نشات می گیرد پس نیازمند توجه بیشتری است.

در این راستا باید مداحان ضابطه مند و ساماندهی شوند و کانون مداحان و شاعران اهل بیت که با نظارت سازمان تبلیغات اسلامی در سراسر کشور تشکیل گردیده است، اگر تقویت شود و فعال گردد، به عنوان یک نهاد مردمی و خودجوش می تواند این مسؤلیت را به خوبی ایفا نماید. دستگاههای فرهنگی، رسانه ملی، باید الگوهای صحیح و مقبولی از مداحی و مداحان شایسته به این عرصه معرفی نمایند. و به کسانی که دارای گرایش های غلط و شیوه های افراط و تفریطند میدان ندهند. و شاید بهتر است که جلسات و کلاس های آموزشی خاصی با توجه به میزان تحصیلات در این زمینه برای آنها در نظر گرفته شود. و همچنین می توان به توانمندسازی مبلغان فعال، تدوین بانک محتوای تبلیغی، شبکه سازی مبلغان بر اساس مناطق شهری، طرح کارورزی مبلغان جوان، تقویت مبلغان شبکه مجازی و شبکه سازی آنها پرداخت.

ب- حضور پررنگ افراد باسواد

متأسفانه جلسات مذهبی بانوان، مکانی برای تجملگرایی و خودنمایی و سایر مباحث روز شده است و لذا از مطلب اصلی و هدف اولیه خود دور گشته است. هدف اصلی از برگزاری جلسات مذهبی ترویج فرهنگ اصیل دینی و بالا بردن سطح سواد فرهنگی جامعه است، و این مطلب کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

در بعضی از جلسات مذهبی زنانه بار عاطفی محتوای ارائه شده بر معرفت افزایی غلبه دارد در حالی که نباید تکیه بر روی روضه صرف باشد بلکه در کنار آن باید تلاش شود که آگاهی های دینی مردم افزایش یابد که این آسیب

به علت استفاده از افرادی که سواد دینی بالایی ندارد برای روضه خوانی به وجود می آید. همانطور که در مطالب قبلی آسیب شناسی شد.

در اینجا حضور پررنگ افرادی لازم است که از سطح سواد بالایی برخوردارند. این افراد بدون هیچ اجباری بر آنها لازم است وظیفه اصلی و دینی خود بدانند و برای جلوگیری از هرگونه آسیب اخلاقی، اجتماعی، و اعتقادی قدم بردارند. لذا حضور بیشتری از طلاب در کنار این جلسات لازم است. طلبه های جوان با کسب آموزش بیشتری در امور مداحی می توانند از آموخته های خود در جهت آسیب زدایی از این جلسات قدم بردارند. در اینجا هیچ گونه اجبار بر حوزه های علمیه از جانب مراکز و سازمان تبلیغات وجود ندارد پس طلبه ها باید در این راه به طور کامل اختیاری و با علاقه خود به این راه گام بردارند.

طلبه واژه ای بسیار گرانبه و پر معنایی می باشد. واژه ای است در زبان عربی که جمع مکسر واژه طالب به معنی خواهان و خواستار است. یعنی در واقع کسی او را ملزم به انجام کاری نمی کند. بلکه خود خواستار انجام امورات مربوط به دین است. طلاب در این راه و وظیفه طلبگی باید از آسیب های وارد شده به دین که در مجالس مذهبی دیده می شود، جلوگیری کنند.

در اینجا مناسب است که تعاون و همکاری دقیق و معینی مابین طلاب و مراکز تبلیغات اسلامی برقرار شود و عده ای از طلاب دارای علاقه بدون هیچ اجباری برگزیده شوند و طی کلاس ها و آموزش های لازم برای این امر خطیر و ضروری آماده گردند. لازم را کسب کنند.

این مسئله مهم، یعنی مجالس مذهبی بانوان می تواند ضربه خطرناکی رابه پیکره دین مردم وارد کند واز طریق بانوان به قلب خانواده و تربیت فرزندان وارد شود.

پاداش اصلی کسانی که در این راه قدم برمی دارند به دنیا و مسائل مادی بر نمی گردد بلکه پاداشی بزرگ تری در انتظار آنهاست و همین مشوق اصلی برای ثبات در این راه است. امام صادق -علیه السلام- می فرماید: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ يَتَاءُ فِي الْجَنَّةِ ؛ هر کس در راه ما و برای ما یک بیت شعر بسراید ، خداوند برای او خانه ای در بهشت ، بنا می کند.»^۱ چه بسا فرد در راه معرفت افزایی و تبلیغ دین گام بردارد مسلماً اجر بیشتری دارد.

شاید بهت باشد در مورد افرادی که سواد کمتری دارند اما چندسالی است به عشق ائمه در این راه زحمت کشیده اند بی انصافی نشود و آنها را تحت شناسایی کرد و تحت تعلیم بیشتری قرارداد تا سواد معرفت افزایی آنها بیشتر شود.

ج- ارائه‌ی الگویی از جلسات مفید و کارآمد

فقط مسئله مقابله با آسیب ها به مراکز و مسئولان بر نمی گردد و خود مجالس و افراد شرکت کننده هم موظف به تغییر راه و اصلاح آسیب ها هستند و می توان راه ها و الگوهای رابه مجالس ارائه داد تا بتوانند جلساتی مفید و کارآمد داشته باشند این انتقال می تواند از طریق کتابها، مجلات و از همه مهم تر صدا و سیما باشد.

بهترین و موفق ترین مجلس، آن مجلسی است که اخلاص در همه ی عناصر پدید آورنده ی آن بیشتر باشد و سطح معرفت و پیوند با کتاب آسمانی و اولیای عظیم الشان الهی -علیهم السلام- را افزایش دهد و محبت و عشق و روح تعهد و مسئولیت نسبت به خاندان رسالت و راهشان را عمیق تر کند.

باید توجه داشت که ممکن است بعضی از شیاطینی که با مجالس روضه و عزاداری مخالف هستند، این گونه بحث های آسیب شناسی را بهانه‌ی قرار دهند برای مطامع خودشان و یا بعضی از خوردگان چون حاضر به رفع

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷.

نقایص نیستند، در مقابل چنین مباحثی جبهه گیری کرده و بگویند این گونه مباحث در جهت تضعیف هیئات مذهبی و مجالس عزاداری می‌باشد.

باتوجه داشت که برای حضور پررنگ و بهتره افراد فواید شرکت درجلسات رانیز بیان کردوباین کاربه تشویق وترغیب آن پردازیم حضرت امام حسین -علیه السلام- فرمودند:

«کسی که به سوی ما بیاید-یعنی در مجالس مذهبی حضور یابد، کتاهلی مربوط به ما را بخواند و سنت و سیرت ما را بیاموزد- از چهار فایده بهره مند می‌شود: با آیات محکم الهی و جهان بینی و معارف توحیدی آشنا می شود. اگر ادراک عمیق معارف دینی میسور او نبود، داستان های عدالت آموز و تعدیل امور و قوا را می آموزد. اگر ادراک او در مرحله ی پایین تری بود، هماهنگی اجتماعی و آداب برادری و دوستی و آیین داد و ستد را فرا می گیرد. اگر به هیچ یک از این ها دست نیافت، دست کم از همنشینی با عالمان برخوردار می شود و مشکلاتش را در حضور آنان رفع می کند یا گرفتار مشکلات تازه نمی شود.»^۱

و باید توجه داشت که ع زاداری اگر چه نه از اصول دین است و نه از فروع دین، اما مستحب مؤکدئی است که حافظ اصول و فروع دین بوده و در دل خود واجبات فراوانی را داشته و بارزترین تجسم عینی تولی و تبری بوده و نتیجه ی آن احیای اصل امامت که مایه ی استحکام اساس دین است می باشد.

پس مجالس مذهبی، باید از جانب افراد شرکت کننده وبانی آن نیز اصلاح شود و فقط نقش مراکز مربوط درآن تاثیر ندارد تا افراد به عمق اهمیت ،الگوپذیری وفواید آن دست نیابند نمی توانند جلسه ای کارآمد ومفید ارائه دهند. پس آنها نیز در شکل گیری جلسه ای مناسب هم وظیفه ای جدی دارند.

^۱ - بحار الانوار؛ ج ۴۴ ص ۱۹۵.

د - معرفی و تقدیر از مبلغان و مداحان شایسته و جلسات موفق

تشکیل شناسنامه تبلیغی برای شهرها و ایجاد یک نوع شبکه ارتباطی بین مداحان و سخنرانان بسیار در این راه مقابله با آسیب‌ها کارآمد است. با تشکیل جلسات، همایش‌ها، شبکه‌های مجازی می‌توان ارتباط محکمی بین آنها برقرار کرد و در این بین به مناسبت‌های مختلف می‌توان به تقدیر از مبلغان پرداخت. و این تقدیر بر اساس نوع عملکرد محتوایی، تبلیغی، مداحی و... باشد. و باین کار اهمیت بیشتر محتوا و اصل معرفت و شناخت را نشان داد. تجربه ثابت کرده است که تقدیر از افراد موفق در امری باعث ترغیب سایر افراد در آن زمینه می‌شود و باین نشان شایستگی فرد مسئله معرفت را در وجود خود و جلسات نهادینه می‌کند.

با برگزاری همایش‌های مختلف مداحان جوان و یامداحان کم‌سواد می‌توانند از تجربه و اطلاعات مداحان شایسته برخوردار شوند؛ لذا تشکیل جلسات و حضور مداحان در این جلسات و سخنرانی‌ها بسیار امری ضروری است تا مداحان و مبلغان با اهمیت این موضوع مهم روبه‌رو شوند.

ه - ارائه مشاوره به بانوان

بانوان شرکت‌کننده در مجالس گروه‌های سنی مختلفی دارند از جمله مادران و دختران می‌باشند که تعداد مادران شرکت‌کننده بیشتر از دختران است. ایجاد محیطی برای دریافت پاسخ سوالات اقسام مختلف زمینه مناسبی برای جذب همه افراد می‌باشد همچنین خانم‌هایی که در مجالس شرکت می‌کنند، نیازمند مشاوره در تمام زمینه‌ها زندگی مادی و معنوی هستند. بسیاری از زوج‌های جوان در ابتدای زندگی مشکلات زیادی دارند و نیازمند راهنمایی درست هستند؛ جلساتی که همیشه می‌باشند و در مناسبت‌های مختلف در یک منزلی تشکیل می‌شود مکان مناسبی برای ایجاد محیط مشاوره‌ای هستند.

بانوان نسبت به آقایان از احساسات بیشتری برخوردار می باشند و در هر موضوعی به سرعت تصمیم گیری عجولانه وبدون تعقل انجام می دهند. لذا ضرورت وجود مشاور در زندگی آنها بیشتر است. ساس می شود البته مشاوره که تایید شده ومذهبی باشد تا افراد در راه درست تصمیمات قرار دهد.

اسلام به عنوان مکتبی جامع و همه جانبه نگر برای سلامتی روح و روان و سلامتی دینی انسان اهمیتی فوق العاده قائل است. از این رو، با ارائه برنامه و دستورات لازم، تمهیدات لازم را برای تحقق آن فراهم نموده است. یکی از رهنمودهای ارزشمند اسلام در این رابطه، توصیه به همفکری، تبادل نظر و مشورت در امور مختلف خانوادگی، دینی، اجتماعی و استفاده از تخصص همنوعان در تأمین سلامت روحی، جسمی و توصیه به رعایت موازین اخلاقی و دینی در مشاوره است. امام علی - علیه السلام - در خصوص مشاوره کردن می فرماید: «مشاوره کنید، چون موفقیت در مشاوره است.»^۱

تعالیم اسلامی به ماتوصیه می کند که از افراد خبره، باتقوا و آگاه سوال پرسید تا جواب های مطمئنی دریافت کنید. اگر این مشاوره کردن در مجالس قرار گیرد افرادی که فقط جهت مشاوره کرن مراجعه می کنند به مرور زمان به شرکت در این جلسات روی می آورد و چه بسابه مسائل دینی وائمه - علیه السلام - نیز علاقه پیدا میکنند، و این مشاوره باعث از بین رفتن مشکلات خانواده و رفع طلاق در بین زوجین کمک می کند.

^۱ غررالحکم و درر الکلم ، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۰۰۵۲.

نتیجه گیری

مجالس مذهبی، مجالسی است که مربوط به دین و شریعت می باشند و پاینده به آداب و رسوم هستند. علاوه بر حفظ مکتب اهل بیت عامل فوق العاده نیرومندی برای بیداری مردم و ضامن تداوم و بقای اسلام می باشد. اماگاهی این مجالس دچار آفاتی می شوند که نیازمند اصلاح هستند. تا از کجروی در اسلام و دین جلوگیری شود به همین دلیل این مجالس باید آسیب شناسی شوند.

آسیب شناسی مجالس مذهبی در جهت تقویت حقیقی آن ها است؛ معرفی آسیب شناسی آن است که با شناخت آسیب ها و رفع آن ها، مجالس مذهبی بتوانند کار کرد اصلی خود را پیدا کرده و با قوت و قدرت بیشتری از همهی ظرفیتشان بهره برداری شود و همگان بتوانند از ثمرات این شجره ی طیبه استفاده ی کافی را ببرند.

شناخت آسیب ها و آفات و اقدام عملی برای برطرف نمودن آن ها، نوعاً در حین عمل ممکن می باشد؛ به مرور زمان و به تدریج باید آسیب ها و آفات را شناخت و با شجاعت، اقدام به برطرف کردن آن ها نمود. این آسیب ها ممکن است در مورد مسائل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی باشد، یعنی در این سه مبحث آسیب هایی را به فود و جامعه وارد می سازد. از جمله این آسیب ها شامل: تحریفات، خرافه، بدعت، مرید پروری، ریاکاری، غیبت، تجمل گرایی، توهم موفقیت و... می باشد.

می توان با همفکری طلاب، مداحان، سخنرانان و مسئولان مربوطه به ارائه راهکارهای مفیدی دست پیدا کرد و اما آنچه در این نوشتار به عنوان راهکار ارائه گردید، شامل: مشاوره، معرفی و تقدیر از مبلغان، حضور پررنگ افراد باسواد، ارائه ی الگویی از جلسات مفید و کارآمد، تبلیغ مناسب می باشد.

منابع

- قرآن، مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، تهران، ۱۳۸۸.
- نهج البلاغه، علی بن ابی طالب، محمد دشتی، امام عصر، جعفری، اول، قم، ۱۳۸۷.
- غرر الحکم و درر الکلم، علی بن ابی طالب، عبدالواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶.
- ۱. بلاغی، محمد عبدالرسول، الشعائر الحسينية العقائديه عبر التاريخ، تهران، بی تا، ۱۳۸۶.
- ۲. تفلوسی، شیخ ابوالفضل حبیش بن ابراهیم، کامل التعبير، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.
- ۳. خاتمی، سیداحمد، چکامه هایی در شیوه عزاداری، سوره مهر، تهران، چهارم، ۱۳۸۵.
- ۴. خمینی (ره)، سیدروح الله، وصیتنامه سیاسی - الهی امام، جماران، تهران، ۱۳۶۱.
- ۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران ۱۳۲۵-۱۳۶۱ ش.
- ۶. رضوانی، علی اصغر، برپایی مراسم جشن و عزا، مسجد جمکران، قم، سوم، ۱۳۸۵.
- ۷. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ص ۵۲۴، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ ش.
- ۸. سبحانی، آیت الله جعفر، نظام اخلاقی اسلام، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، نهم، ۱۳۷۷).
- ۹. سلیمانی، جواد، امام حسین علیه السلام و جاهلیت نو، دفتر نشر معارف، تهران، بهار ۱۳۸۲.
- ۱۰. سیف اللهی، سیف الله، مبانی جامعه شناسی، مرند، تهران ۱۳۷۳.
- ۱۱. شاهرودی، علیرضا، جلوه های عزاداری در تعالیم اهل بیت علیه السلام - دلیل ما، قم، ۱۳۹۰.
- ۱۲. شجاعی، محمد، عزاداری حقیقی، محیی، قم، پنجم، ۱۳۸۵.
- ۱۳. شریعتی، حفیظ الله، آیین های سوگواری مذهبی هزارگی، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.
- ۱۴. شیرازی، عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، جهان، تهران، بی تا، ششم، ۱۳۷۲.

۱۵. صاحبی، محمد جواد، تفسیر تاریخ سرخ (بررسی انتقادی تاریخ نهضت حسینی)، پازیه، تهران، سوم، ۱۳۸۸.
۱۶. صالحان، جعفر، رساله‌ی شور و شعور، زمان، تهران، اول، پائیز ۱۳۸۸.
۱۷. صدری، مهدی، عزاداری رمز محبت، دلیل ما، قم، اول، پاییز ۱۳۹۳.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، میزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۹. طبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل، مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۸.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۶۴، به کوشش محمود عادل، تهران، ۱۳۶۷هـ - ش.
۲۱. عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین (شیخ حر)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، ۱۳۶۷.
۲۲. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، بدر، تهران ۱۳۶۳.
۲۳. قرائتی، محسن، دقایقی باقرآن، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، سوم، خرداد ۱۳۹۲
۲۴. ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق من لا یحضره الفقیه، محمد جواد غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۲۵. قمی، ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن حسین - شیخ صدوق -، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۳۶۱.
۲۶. قهرمانی نژاد، بهاء الدین، مباحثی پیرامون عزاداری، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دوم، ۱۳۸۶.
۲۷. کاویانی، محمد، روان شناسی عزاداری، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. ۱۳۹۰.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.

۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، دوم، ۱۳۶۲.
۳۰. محدثی، جواد، پیامهای عاشورا، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران، اول، ۱۳۷۷.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، حمیدرضا شفیعی، دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۳۲. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی ۱ و ۲، انتشارات صدرا، اردیبهشت ۱۳۸۸.
۳۳. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدرا، ششم، ۱۳۶۸.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، امام علی بن ابیطالب (ع)، قم، ۱۳۷۸.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی، تهران، سی و دو، ۱۳۷۴.
۳۶. مهدوی یگانه، مرتضی، گریه بر سالار شهیدان چرا؟، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، سوم، ۱۳۸۸.
۳۷. نوری، محمد، نگاهی به فرهنگ سوگواری، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
۳۸. ورام بن ابی فراس المالکی الاثتری، ابی الحسین، تنبیه الخواطر و نزهه النوادر، مجموعه ورام، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، ۱۳۸۲.
۳۹. وطنی، منصوره، حقوق و وظایف زن و شوهر، زائر آستان مقدسه، قم، ۱۳۸۸.
۴۰. هندی، علاء الدین علی بن عبد الملک ابن قاضی خان قادری شاذلی، (علاء الدین علی متقی هندی)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۸۲.